

جشنواره نوروز از نظر گاه اسلام و تاریخ

نویسنده: دکتور محمد اسماعیل لیب بلخی

فهرست موضوعات

۲	پیشگفتار.....
۳	بخش اول.....
۳	نوروز از دیدگاه تاریخ.....
۴	نوروز در افغانستان.....
۵	برگزاری نوروز در ولایت بلخ و صورت حال آن.....
۷	نظری پیرامون روضه... (مزار مزعوم).....
۹	ریشه لغوی و پیشینه تاریخی نوروز.....
۱۱	علل پیدایش نوروز.....
۱۳	جشن نوروز در عهد شاهان پیشین.....
۱۴	نوروز در بین زرتشتیان یزد.....
۲۱	نتایج بحثهای گذشته.....
۲۲	بخش دوم.....
۲۲	نوروز و یا تجلیل نوروز از دیدگاه اسلام.....
۲۳	تمهید.....
۲۴	اعیاد مسلمانان و جشن های شان.....
۲۵	حکم تجلیل اعیاد غیر مسلمانان.....
۲۸	انواع اعمال کافران.....
۳۰	نتیجه مطلب فوق.....
۳۱	دلایلی از قرآن کریم به حرمت برگزاری اعیاد کافران.....
۳۳	دلایلی از سنت به حرمت برگزاری و تجلیل اعیاد کافران.....
۳۶	توضیح معنای عید.....
	آثاری از صحابه و سلف راجع به مخالفت مشرکان در اعیاد و جشنهای شان.....
۴۰
۴۲	اقوال فقهاء و علماء در باره تجلیل نوروز.....
۴۴	خاتمه.....

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیشگفتار

الحمد لله و الصلّٰة و السّلام علی رسول الله و علی آله و صحابته و من اهتدي بهداه
و بعد:

به همه پیداست جشن نوروزی که با روز اوّل ماه حمل سال شمسی مصادف است هر سال در بسا از کشورهای اسلامی چون افغانستان، ایران و تاجکستان و برخی از کشورهای دیگری آسیای میانه تجلیل و برگزار می گردد، و البته کیفیت برگزاری و شمار روزهای آن در کشوری تا کشوری روی رواجهای ملی و راه و رسم قومی و قبیلوی هر یک فرق دارد.

اینکه این جشن در کشورهای دیگری غیر از افغانستان چگونه برگزار می گردد، تفصیل و جزئیات آن از موضوع این رساله نبوده و درینجا به بسط و تفصیل آن ضرورتی هم احساس نمی گردد، ولی آنچه که موضوع اساسی این رساله را تشکیل می دهد و آنچه که ما می خواهیم از انشاء و نشر این رساله خوانندگان گرامی را آگاه گردانیم، اینست:

که این جشن با این عرض و طول و با این شأن و آوازه که در افغانستان یک سرزمین اسلامی بنام یک روز ملی و به رنگ اسلامی برگزار می گردد اصلاً از اسلام نبوده است؛ مستندات و پیشینه تاریخی اش نشان می دهد که هیچ ارتباطی به افغانان و افغانستان نداشته، بلکه جشنواره زردشتیان و مجوسیان بوده و از اعیاد ملی ایرانیان می باشد و نیز برای اینکه حکم شرعی تجلیل از همچون جشنهای غیر اسلامی آن روشن شده باشد ناگزیریم بحثی نسبتاً مفصّلی راجع به تجلیل نوروز از دیدگاه اسلام در پرتو نصوص از کتاب الله و سنّت رسول الله صلی الله علیه و سلّم ارائه کنیم.

بناءً بحث این رساله بطور عموم به دو بخش تقسیم می یابد که بخش اول آن: نوروز از دیدگاه تاریخ، و بخش دوم آن نوروز از دیدگاه شریعت اسلامی است که اینک به یاری و توفیق الله موضوع را دنبال می کنیم.

بخش اول

نوروز از دیدگاه تاریخ

این بخش شامل مباحث ذیل است:

۱. نوروز در افغانستان.
۲. برگزاري نوروز در ولايت بلخ و صورت حال آن.
۳. بحث کوتاهی پیرامون مزار مزعوم.
۴. ریشه لغوي و پیشینه تاریخي نوروز.
۵. علل پیدایش نوروز.
۶. جشن نوروز در عهد شاهان پیشین.
۷. نوروز در بین زردشتیان یزد.
۸. نتایج بحثهای گذشته.

نوروز در افغانستان

جشن نوروز در افغانستان در پایتخت کشور و هم در اکثر ولایات همه ساله در روز اول ماه حمل که نخستین روز سال شمسی است طی مراسمی تجلیل و برگزار می گردد.

در کیفیت تجلیل و برگزاری این روز در برخی از ولایات نسبت به دیگری فرقه‌های مشاهده می شود؛ بگونه ای مثال این روز در کابل و کندز، غزنی و اکثر ولایات شمال به کیفیت نسبتاً مجلل تر و با اهمیت تر تجلیل می شود که در سائر ولایات به چنان کیفیت نمی باشد جز در مراکز ولایات از طرف دولت شکل تقلیدی و عنعنوی پی داشته از ترتیبات و انتظامات ویژه ای برخوردار نمی باشد. و آنچه از طرف دولت درین روز و بخاطر برگزاری آن رسماً اعلان می گردد رخصتی روز اول حمل هر سال و برگزاری محافل حکومتی و رسمی در برخی از دوائر ولایات کشور است، ولی ناگفته نماند که مردم این روز را در کابل بگونه خاصی تجلیل میکنند. عده ای که بدان رنگ دینی می دهند زن و مرد به قبرستانها و مزارات مشهور بیرون می رویند، غذاهای خاصّ تهیه می دارند و لباسهای جدید و زینتی می پوشند، و عده ای هم به سبزه زارها و چمن ها به گلگشت و تفریح می بریند و مزارات چون شهدای صالحین و کارته ای سخی و باغ بالا تجمعگاه هزارها از مردان و زنان می گردد. شأن کندز، غزنی و مزار امام صاحب تقریباً بدین منوال است که بیرقی بنام "جندهء علی شاه ولایت مآب" در کارته سخی و امام صاحب و برخی از مزارات دیگر برافراشته می شود، و مردم اکثراً به استثنای آنانی که از علم شرعی برخوردارند جشن نوروز را به یکدیگر مبارکباد گفته و به تبادل تحف و هدایا می پردازند. این فشرده ای از وضعیت نوروز و برگزاری آن در اکثر ولایات افغانستان است، ولی به ارتباط بلخ نظر به ویژگیها و جایگاه بخصوص نوروز درین ولایت طی بحث جداگانه به بحث و بررسی می پردازیم.

برگزاری نوروز در ولایت بلخ و صورت حال آن

با فرارسیدن روز اول حمل بیرقی ساخته از پارچه قماشی بنام "جندۀ حضرت علی کرم الله وجهه" به جای خاصی که در غرب مرقد مزعوم علی رضی الله عنه تعیین شده است طی مراسم خاص دولتی و ملی بر عمود بزرگ و بلند و مستقیمی برافراشته می شود، همزمان با برافرازی آن توپهای دولتی به رسم احترام به آن جندۀ به انداخت (شلیک) می پردازند، آنگاه میله گل سرخ و یا جندۀ بالا که مدت چهل روز را در بر می گیرد با صدها فساد و نارواییها و بدعات شروع می شود، و در همین روز زنها با لباسهای فتنه انگیز و با آرایش و پیرایش شیطانیه به گشت و گزار به بازارها و پارکهای باغ روضه و سبزه زارها و چمنها و قبرستانها می پردازند و در بسا از خانواده ها به مناسبت نوروز غذاهای خاصی نوروزی تهیه شده و به خانه های خویشان و دوستان و آشنایان فرستاده می شود، و همانند مردمان شهر کابل مردم شهر مزار درین روز به خوشحالی ها و ساعت تیری ها می پردازند. در ولایت بلخ مصیبت بارتر از همه آنست که با فرا رسیدن نوروز دروازه های فسق و فجور و فساد بیشتر باز می گردد. صحنه های تمثیل با کنسرتهای دور از حیات و مملو از فساد از یکطرف و سینماها با نشان دادن فلمهای مبتذل و محرک جنس از طرف دیگر بازار شان را گرم می دارند. نوازندگان و سراینندگان اعم از مرد و زن در هوتلهای مهم و مشهور اطراف روضه به افتخار میله گل سرخ روزانه پروگرامهای غزلخوانی و سرودهای شیطانیه دارند که جوانان بیکار و لا ابالی اعم از پسران و دختران بازار شان را گرم می سازند. این شمه ای از خراباتی است که دروازه آنرا می بندیم و در آنسوی دروازه مناجات (۱) را می گشایم تا ببینیم که در آن محیط وضع از چه قرار است:

با فرارسیدن نوروز و بالا شدن جندۀ مزار مزعوم علی رضی الله عنه که بنام روضه شاه ولایت مآب یاد می شود با تأسف که به مرکز فساد و شرک و بدعات مبتدل گردد، در همین روزهای گل سرخ مردان و زنان زیادی اعم از جوانان و بزرگ سالان به اطراف روضه به طواف می پردازند که آنرا بنام طواف چهل و یک بار یاد می کنند، و بسا از جاهلان و بیخردان از دین و اسلام به قبر و قفل های دروازه و دیوارهای روضه دست و روی خود را میمالند و درخواست حل مشکلات و قضای حاجات می نمایند، و تلاش می ورزند تا خود را به عمود جندۀ برسانند و آنرا لمس نمایند، و ازین کارها امید ثواب و رفع درجات و آمرزش سیئات دارند و ایشان طوری که مولانا گفته است:

خواجه پندارد که طاعات می کند **** بیخبر از معصیت جان می کند

¹ در اصطلاح مردم مزار رفتن به سینماها و تیاتر و صحنه های تمثیل و نشستن به مجلس موسیقی سرایان و امثال اینها را خرابیات و رفتن به مسجد و نماز و زیارت مقابل و امثال آنرا مناجات گویند.

به امید ثواب و نزدیکی به الله خود را در شرک و بدعت اعتقادی واقع می سازند. و بسا اوقات چیزهای را به نام نذر سخی جان به روضه آورده به "ایشانهای" (۱) روضه تقدیم می دارند، اگر چه قضیه نذر به روضه از ویژگیهای نوروز نبوده و مختص به این روزها نمی باشد، ولی با آمدن نوروز و بالا شدن جنده که مردم از اطراف و اکناف به زیارت روضه می آیند در کمیت و کیفیت این نذرها افزایش بعمل می آید، و هم باید یاد آور شد که در داخل عمارت مرقد مزعوم بلکه در اطاق بزرگی پیش از اطاق مرقد در طرف جنوب آن دیک بزرگی بالایی پایه های قرار دارد. از روزگاری که یاد دارم تا کنون این دیگ را بنام دیگ روضه یاد می کنند که از مظاهر شرک و خرافات بوده و مردم نذرهای خود را در داخل آن می اندازند و اطفال کوچک خود را برای شفا یابی از زیر آن می گذرانند که این کار نیز در همه ایام سال در جریان است، و لی با رفرار سیدن گل سرخ و میله نوروزی در مقدار و کیفیت آن افزایش چشم دیدی بمیان می آید.

آری! تنها همین چند خرافه و شرک و بدعتی نیست که ما درینجا بر شمردیم بلکه آنچه در جشن نوروز و میله گل سرخ و جنده بالا در آنجا بوقوع می پیوندد قلم از تعبیر و ترقیمش عاجز است، و نویسنده که از باشندگان این ولایت است درین فرصتی که در نگارش این رساله می پردازم در ساحه و منطقه نیستم ولی همان منظره های گنبدیده خرافی و شرکی که بارها دیده و حس و لمس کرده ام در مخیله ام نقش بسته است. منظره ای را به خاطر می آورم که در غرب قبر مزعوم در رواقی مجموعه ای از نابینایان چندین روز پیش از شروع مراسم "جنده بالا" گرد هم می آمدند و با هم گرد هم آورده می شدند و به این فکر و تصور بودند که با برافراشتن جنده در روز اول نوروز بینایی خود را در می یابند و در رأس آنان شخص ژولیده موی و ناشسته و پرچرکی بنام "ملنگ سخی" قرار داشت که وی در اوقات متعدد بویژه در میان عصر و شام که زمان بیشتر شدن زائران روضه است به ذکر "هو هو" و "یا من هو" و خواندن بیتها و اشعار بی معنی و یا فاسد المعنی می پرداخت، و چون ملنگ کلمه و بیٹی را به آواز بلند می خواند، نا بینایان گرد هم آمده به دنبال آن به صورت دستجمعی و به آواز بلند آنرا تکرار می کردند، و البته همین ملنگ مسئول به ذکر با نابینایان خیراتها و نذرهای مردمان را نیز به دست می آورد، و گاهی هم در ایام نوروز بویژه روز اول آن در لحظات که جنده برافراشته می شد ناگهان آوازه در میان مردمان به راه می افتاد که نابینایی به کرامت حضرت علی شفا یافته و بینایی خود را دوباره دریافته است، بعد مردم به سوی او هجوم می بردند تا برای تبرک چیزی از لباس او را به دست آورند و البته اینها همه دجل و تلبیس ابلیس بیش نیست، اگر چه چنین وقایع از لحاظ وقوع کم و نادر است، ولی این عقیده به شکل یک تصور درست نزد اکثر آن مردم وجود دارد.

این گوشه ای از صورت حال جشن نوروز در ولایت بلخ است که به صورت بسیار فشرده ارائه شده است.

¹ ایشانهای روضه عبارت از عده از مجاوران و آستان نشینان شکم پرست مرقد مزعوم علی کرم الله وجهه اند که با عمامه های سفید و چشمهای طماع و دیده های سؤال گرانه در ممرات مرقد و عده ای در یک صف و برخی هم جدا جدا نشسته اند.

نظری پیرامون روضه... (مزار مزعوم)

پوشیده نیست که در ولایت بلخ مشهده بنام روضه حضرت علي رضي الله عنه بنا یافته است که برخي ها وجه تسميه شهر مركزي ولایت بلخ را به مزار شريف به روي همين سبب قلمداد کرده اند.

و این روضه عبارت از عمارتي مستحکم و داراي دو گنبد بزرگ و رواقهاي متعدد و اطاقهاي مختلف است و در میان آن قبري وجود دارد که مردم آنرا بنام مرقد علي بن ابي طالب رضي الله عنه مي پندارند و ساحه بزرگي از چهار طرف بناي این شهر را فرا گرفته و در جهت غربي آن مسجد عظيمي بنام مسجد روضه قرار دارد و بیرون از ساحه داخلي روضه - که محاط به دیوارهاي پخته و پنجره هاي آهنی است - باغي قرار دارد که بنام باغي روضه یاد مي شود که مساحت بزرگي را احتوا کرده است و درین باغ درختان بيد و گل بته ها و چمنزارها و در چهار طرف آن چهار حوض نمایش آب ساخته شده و براي نشست و تفریح و تماشا چوكي (صندلي) هاي ثابت سمنتي به فاصله هاي معين فراهم دیده شده است که در زیبایی باغ روضه افزوده است. باغ روضه از لحاظ موقعیت بصورت قطع در نقطه مركزي شهر مزار قرار گرفته و مبدأ تقسیم بندي شهر را به شمال و جنوب و غرب و شرق تشکیل داده است و در میان این عمارت قبري بزرگي که بیشتر از یک متر از زمین بلند ساخته شده است قرار دارد که مردم آنرا قبر علي كرم الله وجهه مي پندارند، و آنچه از نوشتن این بحث مطلوب است اینست که مردم روي اسطوره معتقدند که نعل علي بن ابي طالب رضي الله عنه بعد از آنکه در عراق به شهادت رسیده به بلخ انتقال داده شده و در اینجا در همين مرقد فعلي مدفون گردیده است. این پندار نه از لحاظ تاريخي سند ثابتي قابل باور دارد و نه شرع آنرا مي پذيرد و نه عقل بران گواهي مي دهد حقيقت امر اسطوره بیش نیست که خرافه آن را ساخته و شیعه آنرا بافته است و مردم براي اثبات این امر به افسانه ها و قصه هاي بي بنياد و داستانهاي بي اساس استدلال مي کنند و مي گویند که سلطان حسين بايقرا خوابي دیده که تابوت علي رضي الله عنه در عراق بالاي شتري گذاشته شده و از آنجا شتر آنرا بدون قافله و قافله کش به بلخ آورده و درینجا دفن شده است. ببینید این وجه استدلال است چه عقلي مي تواند چنین استدلال را بپذیرد و چه نقلي مي تواند آنرا تأیید کند؟؟

و گاهي هم بدین بیت جامي استدلال مي کنند:

مردم همه گویند علي در نجف است *** در بلخ بیا بین چه بیت الشرف است

جامي نه عدن گوي نه بین الجبلین *** خورشید يکي و نوراو هر طرف است

و حتي این بیت در قسمت فوقاني رواق پیش روي سمت جنوبي روضه با خط درشت نوشته شده است. ببینید آیا براي اثبات یک حقيقت تاريخي امثال چنین گزاره کافي است؟ هر گز!

این مزار مزعوم از یک طرف از لحاظ واقعیت حقيقت ندارد و همانند اکثر مزارها اصل مدفون چیز دیگر و کس دیگر است، ولي بنام يکتن از شخصيتهاي ساخته شده مشهور

دینی و عرفانی بنام مزار فلان پیر، و فلان شیخ، شهرت یافته است و از طرف دیگر همین مزار مرکز فساد و خرافات گشته صدها نارواییها در آنجا صورت می گیرد که می توان به نمونه های ذیل اشاره کرد:

- ۱- استعانت به غیر الله
- ۲- استغاثه از غیر الله
- ۳- خواستن ادای حاجت و حل مشکلات از غیر الله
- ۴- بوسیدن قفل های دروازه بنام تبرک و حل مشکل
- ۵- تقدیم نذر به مزار مزعوم
- ۶- انداختن نذر به دیگ واقع در آنجا بنام نذر دیگ سخی جان
- ۷- و کارهای از این قبیل، و گاهی هم موافقه تن فروشی میان جوانان فاسد و دوشیزگان حیا دریده و آبرو ریخته در همین روضه صورت می گیرد و مع الأسف درین اواخر راپور(گزارش) های رسیده که روزهای چهارشنبه باغ روضه به کاباره شراب نوشی زنان مبدل شده است.

آیا تابوت علی رضی الله عنه بخاطر شکل گیری این همه فساد و خرافات از عراق بدینجا انتقال یافته است؟!

پرسشی است که پاسخش تعجب و حیرت است و هم بالا شدن جنده بنام جنده مولا علی و یا "جنده شاه ولایت مآب" که امروز از کلچر و عنعنه و رسم اجتناب ناپذیر مردم افغانستان شده که توسط مراسم دولتی ویژه برافراشته می شود از کجا نشأت و اصل مشروعیت کسب نموده است؟ و اینکه جشن نوروز با افراشتن جنده تجلیل می گردد این ارتباط چه مفهومی دارد؟ و مصدر ارتباط دهنده آن چیست؟

و هم اینکه این جنده باید تا چهل روز برافراشته بوده و میله گل سرخ که صدها فساد و نارواییهای مخالف دین و آئین اسلام را با خود به ارمغان می آورد بخاطر چه؟

و چرا همین چهل روز بوده بر آن افزوده و از آن کاسته نمی شود؟

این سؤالا همه بیانگر آنست که قبر علی رضی الله عنه هیچگاه در چنین جایی نبوده و مظهر این همه خرافات و فسادی نیست.

اصلاً موضوع روضه و مزار مزعوم خواستار آنست که رساله بزرگ تحقیقی در موردش نوشته شود امید در آینده های نه چندان دور یا خود نگارنده این رساله و یا برادر دیگری به چنین کار اقدام نماید و درین رساله از لحاظ ارتباطش به نوروز به همین کلمات چند اکتفا شد.

ریشه لغوی و پیشینه تاریخی نوروز

قوامیس و فرهنگهای لغت اعم از عربی و عجمی بالاتفاق نوروز را به معنای روز نو معنا کرده اند. صاحب معجم الوسیط و ترتیب قاموس المحيط گفته اند: "نوروز او النیروز (بالفارسیة) الیوم جدید و هو اول یوم من السنة الشمسیة الإیرانیة و یوافق الیوم الحادی و العشرین من شهر مارس من السنة المیلادیة و عید النوروز اکبر أعیاد القومیة الإیرانیة."

یعنی نوروز یا نیروز به فارسی به معنای روز نو و آن نخستین روز سال شمسی ایرانی است که با روز بیست و یکم ماه مارچ سال میلادی موافق می آید، و عید نوروز از بزرگترین عیدهای قومی و ملی ایران است.

و لغت نامه دهخدا که امروز از مراجع مهم لغوی و فرهنگی به حساب می آید راجع به نوروز به نقل از قاموس ها و فرهنگهای مختلف نوشته است: "(نوروز) روز اول ماه فروردین که رسیدن آفتاب است به نقطه اول حمل و به نقل از رشیدی" می نویسد: "نوروز" روز اول فروردین که رسیدن آفتاب به برج حمل است و ابتداء بهار است و این را نو روز کوچک و نوروز عامه و نوروز صغیر گویند و نیز ششم فروردین ماه روز مرداد را نو روز بزرگ و نوروز خاصه گویند و عین مطلب را "جهانگیری" نیز ذکر کرده آنرا به نوروز عامه و خاصه تقسیم کرده است. (۱)

ابوریحان بیرونی راجع به نوروز گفته است: نوروز کلمه فارسی به معنای روز نو است و به اصطلاح زبان پهلوی ایرانی روز اول ماه سال را نوروز می گویند، و این روز، جشن و تجلیل آن خیلی سابقه تاریخی دور و درازی دارد که ریشه تاریخی آن به زمانهای قبل از جمشید بر می گردد.

بنا بر داستانهای شاهنامه جمشید پسر طهمورث جشن باستانی نوروز را بنا نهاد و رسوم و آئینی را برقرار ساخته است.

و برخی نگاشته اند که: نوروز در زمانه های پیش در آغاز بهار نبود، بلکه در فصول سال بصورت دورانی تغییر می یافت گاهی به بهار و گاهی به تابستان و زمانی هم به زمستان اتفاق می افتاد و در سال ۴۷۱ هـ عمر خیام و شماری از منجمان دیگر به دستور جلال الدین ملک شاه سلجوقی تقویمی را بنام تقویم جلالی ترتیب دادند و نوروز را در روز اول بهار روز اول برج حمل قرار دادند. (۲)

و طوریکه فرهنگ حسن عمید می نویسد: "نوروز نزد اهل فارس به نوروز عامه و نوروز خاصه تقسیم بود. نوروز عامه همان پنج روز اول از جشن نوروز بود که پادشاهان فارس حاجتها و ضرورتهای مردم را روا می کردند و روز ششم را نوروز

¹ دهخدا ج: ۴۶ / ص ۱۷۲ حرف نون
² به اختصار و تصرف از "الأثار الباقیة عن الأمم الماضیة" تألیف ابو ریحان بیرونی.

خاصّه يا نوروز بزرگ مي ناميدند که در آن روز خواص و نديمان خود را مي پذيرفتند و به عيش و عشرت مي گذرانيدند. (۱)

مؤرخان و فرهنگ نويسان چيزهاي زيادي راجع به ريشه لغوي و تاريخي جشن نوروز نوشته اند که حاصل و خلاصه و فشرده آنرا ما درين سطور کوتاه گنجانيديم که ديگر نيازي به تفصيل و توضيح بيشتري ديده نمي شود.

¹ عميد حسن فرهنگ سه جلدي: ج: ص ص: ۲۴۲۴

علل پیدایش نوروز

راجع به علل پیدایش نوروز در افسانه های ایرانی بحثهای بس طولانی و دنباله داری آمده که بیشتر آنها همان وزن و ارزش افسانه ای داشته نمیتوان آنها را به حیث یک حقیقت تاریخی پذیرفت، بلکه اکثر آنها اساطیری بیش نیست که اینک ما به ذکر برخی از این روایات ذیلاً می پردازیم.

برخی گفته اند: این روز، روز پیدایش زردشت است. ازین لحاظ مجوسیان آن را به شکل روز عید جشن می گیرند، و بعضی می گویند: مجوسیان این روز را به عنوان روز آغاز آیین مجوسیت تجلیل می نمایند، و عده هم آنرا به آغاز افروختن آتش به آتشکده نوبهار بلخ به خاطر عبادت و سجده بردن به آن ارتباط داده اند که به خاطر احترام و بزرگداشت نه روز یا نه و نیم روز جشن می گرفتند.

ابوریحان بیرونی راجع به نوروز و علل پیدایش آن گفته است: عید نوروز در هیچ یک از ادیان الهی حیثیت شرعی نداشته بلکه از طرف ملت ایران در زمانه های بسیار قدیم روی اوهام و خرافات به شکل رسم و عنعنه درآمده و با مرور زمان و گذار تاریخ افزایشهای عقیدتی و عنعنوی در آن صورت گرفته که بیشتر آن به زمانه های زردشت و جمشید بر می گردد.

و همچنان بیرونی راجع به علل پیدایش نوروز برخی اقوال دیگری را نقل کرده است که اینک به ذکر پاره از آنها با اختصار می پردازیم: "... گفته اند که جمشید برای خود گردونه ساخت و درین روز بر آن سوار شد و جن و شیاطین او را در هوا حمل کردند و به یک روز از کوه "دماوند" ببابل آمد و مردم با دیدن این امر در شگفت آمدند و این روز را عید گرفتند و برای یاد بود آن در تاب می شوند و تاب می خورند. (۱)

و عده دیگری از ایرانیان گفته اند: جمشید زیاد در شب ها گردش می کرد، و چون خواست به آذربایجان داخل شود بر سریری از زر نشست و مردم به دوش خود آن تخت را می بردند و چون پرتو آفتاب بر آن تخت تابید و مردم آنرا دیدند این روز را عید گرفتند.

البیرونی به ادامه گفتار خویش بعد از نقل اقوال می نویسد: ایرانیان عید نوروز را عید بزرگ گویند و زردشتیان می گویند: درین روز زردشت توفیق یافت که با خداوند مناجات، و کیخسرو درین روز به هوا عروج کرد.

درین روز برای ساکنان کره زمین سعادت را قسمت می کنند، و از اینجا است که ایرانیان این روز را روز امید نام نهادند - و درین روز بود که جم جمشید مقادیر اشیا را استخراج کرد و پادشاهان پس از او این روز را میمون و فرخنده داشتند. (۲)

دهخدا راجع به علل پیدایش نوروز می نویسد: بعضی گفته اند، جمشید که اول "جم" نام داشت و عربان او را متوشلخ می گویند سیر عالم کرد و چون به آذربایجان رسید

¹ "زاهدی احمد زی، نوروز د مجوسیانو اختر" به نقل از ابو ریحان بیرونی ص ۳۵.
² الآثار الباقية عن الأمم الخالية ص ۳۲۴ - ۳۳۲

فرمود: تخت مرصعي برهاي بلندي رو بجانب مشرق گذارند و خود تاج مرصعي بر سر نهاده بر آن تخت نشست همين كه آفتاب طلوع كرد و پرتوش بر آن تاج و تخت افتاد شعاعي در غايت روشني پديد آمد مردمان از آن شاد شدند و گفتند: اين روز نو است و چون به زبان پهلوي شعاع را شيد مي گویند اين لفظ را بر جم افزودند او را جمشيد خواندند و جشن عظيم كردند و از آن روز اين رسم پيدا شد.^(۱)

دهخدا در باره جشن نوروز به ادامه نقل اقوال و روايات مي نويسد: جشن نوروز يا عيد نوروز يا جشن فروردین يا جشن بهار بزرگترین جشن ملی ایرانیان است، ایرانیان قدیم (پیش از عهد ساسانی و به هنگام تدوین بخش اول اوستا) جشن نوروز را ظاهراً در اول بهار هر سال و آغاز برج حمل برپا می داشتند. در دوره ساسانیان موسم این جشن با گردش سال تغییر می کرد و در آغاز فروردین هر سال نبود تا آنکه به فرمان سلطان جلال الدین ملک شاه سلجوقی ترتیب تقویم جلالی نهاده شد، و بر اساس آن موقع جشن نوروزی در بهار هر سال مقتربن تحویل آفتاب به برج حمل تثبیت شد و بدین منظور مقرر شد که هر چهار سال یک روز بر تعداد ایام سال بیفزایند و سال چهارم را ۳۶۶ روز حساب کنند.^(۲)

¹ لغتنامه دهخدا ج: ۴۶ ص: ۸۷۲ حرف نون
² لغت نامه دهخدا ج: ۴۶ ص: ۸۷۲ حرف نون

جشن نوروز در عهد شاهان پیشین

قرار نوشته مؤرخان و اطلاعات تاریخ نویسان از مراسم نوروز در دربار سلاطین هخامنشی و شاهنشاهان اشکانی اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما آنچه از آداب برگزاری جشن نوروز در عهد ساسانیان بدست رسیده است در روایات مؤرخان کافی مورد بحث قرار گرفته که بصورت اختصار خلاصه آن ازین قرار است:

"در بامداد نوروز شاهنشاه جامه ای که معمولاً از برد یمانی بود بر تن می کرد و زینتی بر خود استوار می فرمود و به تنهایی در دربار حاضر می شد، و شخصی که قدم او را به فال نیک می گرفتند بر شاه داخل می شد".

خیام گوید: آئین ملوک عجم از گاه کیخسرو تا به روزگار یزدجرد که آخر ملوک عجم بود چنان بوده است که در روز نخست کسی از مردمان بیگانه مؤبد مؤبدان پیش ملک آمدی با جام زرین پر می و انگشتری و درمی و دیناری خسروانی و یک دسته خوید سبز رسته و شمشیری و تیر و کمان و دوات و قلم و اسپ و غلامی خوبرویی؛ و ستایش نمودی و نیایش کردی، او را به زبان پارسی به عبارت ایشان چون مؤبد مؤبدان از آفرین پرداختی پس بزرگان دولت در آمدندی و خدمت ها پیش آوردندی، آفرین مؤبد مؤبدان به عبارت ایشان:

«شها، به جشن فروردین، به ماه فروردین، آزادی گزین، به روان و دین کیان، سروش آورد ترا دانائی و بینائی بکار دانی، و دیر زی و با خوی هژیور، و شادباش بر تخت زرین، و انوشه خور به جام جمشید و رسم نیاکان در همت بلند و نیکو کاری و ورزش و داد و راستی نگاهدار؛ سرت سبز باد و جوانی چو خوید، اسپت کامگار و پیروز، و تیغیت روشن و کاری به دشمن، و بازت گیرا و خجسته به شکار، و کارت راست چون تیر، و هم کشوری بگیرنو، بر تخت با درم و دینار، به پیشت هنری و دانا گرامی و درم خوار؛ و سرایت آباد و زندگانی بسیار».

چون این بگفتی چاشنی کردی و جام به ملک دادی، و خوید در دست دیگر نهادی و دینار و درم در پیش تخت او بنهادی؛ و بدین آن خواستی که روز نو و سال نو هر چه بزرگان اول دیدار چشم بر آن افکنند تا سال دیگر شادمان و خرم با آن چیزها در کامرانی بمانند و آن بر ایشان مبارک گردد، که خرمی و آبادانی جهان درین چیز هاست که پیش ملک آوردندی.

و در روایت جاحظ آمده است: «هر گاه نوروز به شنبه می افتاد پادشاه امر می کرد که از رئیس یهودیان چهار هزار درهم بستانند و کسی سبب این کار را نمیدانست جز اینکه این رسم بین ملوک جاری شده و مانند جزیه گردیده بود. بیست و پنج روز پیش از نوروز در صحن دار الملک دوازده ستون از خشت خام بر پا می شد که بر ستونی گندم و بر ستونی جو و بر ستونی برنج و بر ستونی باقلی و بر ستونی کاجیله و بر ستونی ارزن و بر ستونی ذرت و بر ستونی لوبیا و بر ستونی نخود و بر ستونی کنجد و بر ستونی ماش می

کاشتند و اینها را نمی چیدند مگر به غنا و ترنم و لهو و در برخی روایات آمده که این حبوب را برای تهاؤل (فال نیک) می کاشتند و گمان می کردند که هر یک از آنها که نیکوتر و بارورتر شود محصول آن در سال فراوان خواهد بود و شاهنشاه به نظر کردن در جو بویژه تبرک می جست.^(۱)

ابو ریحان بیرونی می نویسد: در ایام نوروز نواهایی خاص در خدمت پادشاه نواخته می شد که مختص همان ایام بوده و در بامداد نوروز مردم به یکدیگر آب می پاشیدند و همچنین در شب نوروز آتش بر می افروختند. و نخستین کسیکه این رسم را نهاد هرمزد شجاع پسر شاپور پسر اردشیر بایکان است.^(۲)

جرجی زیدان به ارتباط پیشینه تاریخی جشن نوروز می نویسد: نخستین خلفای اسلامی به نوروز اعتنایی نداشتند، ولی بعدها خلفای اموی برای افزودن درآمد خود هدایای نوروز را از نو معمول داشتند بنی امیه هدیه در عید نوروز را بر مردم ایران تحمیل می کردند.^(۳)

دهخدا به نقل از «بلوغ الأرب» می نویسد: نخستین کسیکه در اسلام هدایای نوروز و مهرگان را رواج داد حجاج بن یوسف بود، ولی بعدها این رسم از طرف عمر بن عبد العزیز منسوخ گردید، ولی در تمام این مدت ایرانیان مراسم جشن نوروز را برپا می داشتند. با مراجعه به تواریخ معتبر و روایات معتمد بر می آید که برپا داری و تجلیل نوروز در تاریخ اسلام بویژه در قرون اول (خیر القرون) بصورت یک سنت اسلامی اصلاً وجود نداشته و هیچگاه بگونه عیدی تجلیل نگردیده و اگر سخنی را که جرجی زیدان نقل نموده است به صحت برسد تنها این نکته بدست می آید که در زمان برخی از خلفای اموی به شکل توافق قسماً سیاسی با رسم و رواج ملی ایران زمین به پرداخت هدیه و تحفه اجازه داده شده بوده که بعدها عمر بن عبد العزیز آنرا ممنوع قرار داده است.^(۴)

این مضمون از سایت انترنیتی بی بی سی گرفته شده و روی ارتباطش با موضوع با حذف برخی از فقرات نقل گردیده است:

Bbcpersian.com ۱۹:۲۴ گرینویچ شنبه ۱ آوریل ۲۰۰۶.

علی عطار

نوروز در بین زرتشتیان یزد

شاید زرتشتیان در طول تاریخ بیشترین کوشش را برای نگهداری جشن نوروز که بخشهایی از آن به آیین های دینی آنان تعلق دارد، داشته اند. با وجود این امروز آیین های نوروزی در روستاهای مختلف زرتشتی نشین متفاوت است.

^۱ المحاسن و الأضداد ص ۲۴۳ و لغت نامه دهخدا ج: ۸۷۳/۴۶

^۲ الآثار الباقية ص ۲۱۸ و بلوغ الأرب ج ۱ ص ۳۸۶

^۳ تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان ج ۲ ص ۲۲

^۴ بلوغ الأرب ج ۱ ص ۳۷۸ و دهخدا ج: ۸۷۴ / ۴۶

روشن کردن آتش در سپیده دم نوروز، یکی از قدیم ترین آیین های نوروز ایران باستان، امروزه در قاسم آباد یزد برگزار می شود. در تاریکی سپیده دم صبح نوروز، خانه های قدیمی محله قاسم آباد یزد یکی بعد از دیگر روشن می شوند.

هر خانواده و در پیشاپیش آنان زنان، سبزه، ظرفی پر از آب، یک سینی میوه که "ودرین" نامیده می شود، گلدانی از مورد و شمشاد، مجمر آتش و یک چراغ روغنی به بالایی بام می برند و در کنار هیزم های از قبل آماده شده می گذارند. حدود ساعت پنج صبح سپیدی کلاه مردان زرتشتی در جرقه های آتش نمایان می شود. همزمان با برافروختن آتش آهنگهای نوروزی که از بلندگو پخش می شود، سکوت قاسم آباد را می شکند. کیخسرو و ماوندادی یکی از ساکنین محله قاسم آباد دلیل آتش افروزی بر بام ها را توضیح می دهد. او بیاد می آورد که در گذشته اجرای این مراسم با موسیقی زنده همراه بوده است:

"آتشی که در سپیده دم اورمزد برابر با اول فروردین بر روی بام افروخته می شود، یک سنت کهن ایرانی است که در روستاهای زرتشتی نشین باقی مانده است. ما بر این باور هستیم که ده روز مانده به عید نوروز که پنجه کوچک آغاز می شود، با آتش افروزی روان درگذشتگان را به خانه های مان پذیرا می شویم. در پایان سال هم با آتش یعنی با نور و گرما آنها را بدرقه می کنیم و آب پشت سرشان می ریزیم".

"در آن زمانها پیر مردها - که روانشان شاد باشد، خدا بیامرزشدند - در پشت بام خانه ها به صورت پراکنده با ساز و دف و آواز این مراسم را برگزار می کردند. بیاد می آورم در آن زمان ما خیلی دوست داشتیم که نیمه شب از خواب بیدار شویم و صدای گرم آنها را با صدای دف، ساز و سرنا بصورت زنده بشنویم، اما امروز چون آنها دیگر زنده نیستند، ما این موسیقی را به حالت نوار در آوردیم و این همان صدای سازی است که در صدا و سیما هم پخش می شود. هدف، زنده نگه داشتن این سنت است".

زرتشتیان معتقدند که روان یا به گفته آنان فروهر نیاکان در گذشته از ده روز پیش از نوروز به دیدار خانه و کاشانه پیشین خود می آیند و در صبح سال نو به محل اولیه خود باز می گردند.

آنها باور دارند عطر میوه هایی که پاره می شوند، و بوی خوش اسپند و کندر که از آتش متصاعد می شود، همراه با زمزمه اوستا، روان نیاکان را که در حال ترک خانه خود هستند شاد می کند.

وقتی سپیده صبح می دم، صدای بلند گو خاموش می شود و شعله های آتش فرو می نشیند، بخش آئینی، دینی مراسم نوروز زرتشتیان در قاسم آباد یزد پایان می یابد و هر خانواده باقیمانده آتش خود را به آتشکده محله که به آن درب مهر می گویند، می برد.

در کوچه های قاسم آباد بر سر در هر خانه زرتشتی نشین شاخه ای سبز از درخت سرو یا شمشاد آویخته اند. علاوه بر آن در جلوی در خانه های سنج و آویشن میریزند. آدابی که کیخسرو و ماوندادی با مهمان نوازی و دید و بازدید روزهای نوروز مرتبط می داند و می گوید: "بعد از اینکه سال نو تحویل شد و روز اورمزد و فروردین ماه آغاز شد رسم بر این هست که در بالایی سر درگاه هر خانه ای که در آن زندگی وجود دارد یک

سبزه يعني مورد، سرو يا شمشاد را نصب مي کنند. در پاشنه در خان آويشن و سنجد مي ريزند که نشانه عشق و دوستي هست و بدون اینکه کسي با شما سخني بگويد بازبان بي زباني به شما خوش آمد گفته مي شود.

آتش افروزي بر بام خانه هاي قاسم آباد با تقويم ديني زرتشتيان ارتباط دارد. با وجود اين، آيين امروز مذکور در همه روستاهاي زرتشتي نشين اجرا نمي شود. زمان بازگشت روان نياکان به خانه خود در طول تاريخ پر فراز و نشيب زرتشتيان تغيير کرده است. در برخي مناطق آتش افروزي بر بام خانه ها نه در ايام نوروز، بلکه در اواسط تابستان انجام مي شود.

دکتر کتايون مزداپور، پژوهشگر و استاد دانشگاه علت اين تفاوت زماني را در گاهشماري هاي گوناگون مي داند: "روز نوروز که مطابق با تقويم قديمي در حال حاضر در اوایل تابستان است را نوروز مردگان مي گفتند. نوروز قديمي که الان هم در اوایل تابستان جشن گرفته مي شود در هند نیز وجود دارد. بياد دارم که پدر بزرگ ما همیشه در زمان اين نوروز براي بزرگداشت در گذشتگان به دخمه مي رفت و چيزهاي مثل ميوه را همراه خود مي برد و به زمين مي زد تا بوي آنها متصاعد شود. اين نوروز براي مردگان بود اما نوروز اول فروردين نوروز فصلي و براي زنده ها بود. در واقع دو جنبه ديني و جنبه ملي را از هم جدا کرده بودند و الان تقريباً دوباره با هم يکي شده است. در بعضي مناطق اعتقاد به اهميت ديني دارند و فقط اهميت آئيني صرف نيست. مثلاً در تفت در تابستان در نوروز آتش روشن مي کنند و همانطور مراسم قديم را نگه داشته اند. در حقيقت در جامعه زرتشتي یک تلفيق بين آئين ملي و آيين ديني هست که اينها را به هم انطباق مي دهد."

محلّه باغ خندان تفت از جمله مناطق زرتشتي نشيني است که بافت قديمي خود را همچنان حفظ کرده است. مراسم پيشوا از فروهر ها و مراسم جشن نوروز در اين روستا با قاسم آباد تفاوت دارد.

اگر چه آتش افروزي بر بام خانه هاي اين محل در روز نوروز اجرا نمي شود، اما برگزاري مراسم پنجه کوچک و پنجه بزرگ که از ده روز قبل از نوروز آغاز مي شود، معمول است.

روزهاي پنجه بر اساس اندرزيهاي ديني از یک سوزمان بازگشت فروهر در گذشتگان براي ديدار از بستگان خویش است، از سوي ديگر بر پايه منابع اساطيري و باورهاي مردمی، آفرينش انسان در روز اورمزد يعني اولين روز سال نو به پايان مي رسد.

در اين روزها در بسياري از خانه هي زرتشتي مراسم گهنبار، یک نوع مراسم آييني که شبیه خيرات است انجام مي شود. در گهنبار موبدان آجيل خشک يا لرك و هفت ميوه را با خواندن اوستا تقدیس و سپس بين مردم تقسيم مي کنند.

در روزهاي پنجه و نوروز، زرتشتيان تفت در جلوي خانه هاي خود گل سفيد مي پاشند که به معني باز بودن در خانه به روي مهمان است. اين سنت در کشورهاي آسياي

میانه به این صورت باقی مانده که در روزهای پیش از نوروز کنده درختان را سفید می کنند.

در مراسم "میلۀ گل سرخ" در مزار شریف، هفت میوه خشک در آب ریخته می شود و در روز نوروز بر سفره نوروزی قرار داده می شود.

بوی خوش و تمیز کردن خانه از دیگر سنت هایی است که برای استقبال از اجداد و نیاکان در ایام پنجه به آن توجه شده است. آنطور که رستم کاووسیان می گوید، خانه و کاشانه کثیف باعث آزدگی روان فروهر در گذشتگان می شود:

"ما زرتشتیان به اورمزد و فروردین ماه که جشن تازه شدن طبیعت است بسیار اهمیت می دهیم و آن را بسیار نیکو می شماریم. در پیشاپیش آن خانه تکانی هائی انجام می دهیم و معتقدیم تمام زندگی ما باید پاک باشد. در شب عید حتماً خانه تکانی باید انجام شود و اگر کینه و عداوتی داریم باید حل کنیم".

عید دیدنی ساکنین باغ خندان در اولین روز از سال نو به شکلی خاص انجام می شود. در آغاز آنها دسته جمعی به درب مهر محل زندگی خود می روند و در کنار آتش، به نیایش و اوستا خوانی می پردازند. پس از آن دیدار دسته جمعی از خانه ها آغاز می شود.

اولین دیدار نوروزی از خانواده ای شروع می شود که در سال قبل در گذشته ای داشته است. این مراسم که نو عید نامیده می شود، در سکوت برگزار می گردد. بر روی سفره نوروزی که مهمانان گرداگرد آن می نشینند، عکس در گذشته معمولاً در کنار سبزه نوروزی قرار دارد. پرویز ورجاوند پژوهشگر فرهنگ زرتشتیان می گوید مراسم نو عید حضور نمادین شخص در گذشته در مراسم نوروزی است:

"باز دید از خانه کسی که در گذشته ای دارد برای سوگواری نیست. همانطور که در تصوف ایرانی مسند شیخ یا پیر در جمع وجود دارد، در مراسم نوروزی هم وقتی یک نفر از خانواده ای در گذشت، به دیدن او می رویم یعنی او روحاً حضور دارد و چون در گذشته و بازگشته، مهمان عزیز ما است. ابتدا به خانه او و برای دیدنی او می رویم؛ نه بخاطر سوگواری و تسلی بازماندگان، بلکه حضور او را همان ادامه زندگی قبلی او می دانیم".

پس از برگزاری مراسم نو عید، زرتشتیان با شادی و پایکوبی و نواختن ساز ضربی دایره مانند مخصوص خود که آنرا عربانه می نامند، به دید و بازدید خویشان و آشنایان می روند.

میزبان که پیشاپیش میز نوروزی را با شیرینی های مخصوص و شربت و چای برای پذیرایی آماده کرده است، در ابتدا برای مهمانان خود آینه و گلاب می گیرد. سپس پذیرایی با خوردن نقل آغاز می شود همزمان ساز و آواز و پایکوبی ادامه می یابد.

یکی از شیرینی های مخصوصی که زرتشتیان حتماً بر خوان نوروزی خود می گذارند کماج است. کماج شیرینی کیک مانندی است که به شیوه سنتی تهیه می شود. ماهدخت فروهر آن را از مهمترین شیرینی های لازم برای این روزها می داند:

"کماج نوروزي از آرد گندم، قدری گلاب، هل و دارچین، تخم مرغ و شکر درست می شود. اینها را با هم قاطی می کنیم، بعد روغن را در کماجدان داغ می کنیم و خمیر را در آن می ریزیم و مغز پسته و بادام و گردو (چهارمغز) و کنجد روی آن می ریزیم. این کماج شیرین و کماج نوروزي، یک رسم قدیمی است. نان هم می پزیم، اما در هر خانه ای اگر نان هم نپزند، پخت کماج بر ایشان واجب است. دم سال تحویل کماج باید باشد.

خوان نوروزي زرتشتیان در طول تاریخ تغییر کرده است. گذاشتن اوستا و تصویر زرتشت بر سفره نوروزي اهالی باغ خندان، از تفاوت های عمده آن با سفره هفت سین دیگر اقوام ایرانی است. پرویز ورجاوند این سفره را در ارتباط با خوان مقدسی می داند که در ایران قدیم "میزد" نامیده می شده و کلمه میز به فارسی امروز از آن گرفته شده است. برای او تقدس نوروز در عدد هفت و لحظه تغییر سال است.

"هفت سین" در واقع در مرحله او میزدي هست که در زمان خاص گسترده می شود، و فامیل دور آن جمع می شوند تا برکت لحظه مقدس و گردش سال را دریافت کنند.

هفت علامت از هفت امشاسپند بر سفره گذاشته می شود که این علامت ها در طول زمان تغییر کرده است. زمانی هفت چین یعنی هفت میوه ای که می چیدند بوده است و یا هفت شین یعنی شیر، شکر، شایه - سبزه ای که سبز می کنند را فارسی به آن شایه می گویند - و شمشاد و البته شرابی را که بر سر خوان نوروزي هست. این شراب ها را اکثراً در جام رودین می خورند که اسم در گذشته ای در آن حک شده است و وقتی می خورند یادی از آن شخص می کنند".

دید و بازدید های نوروزي زرتشتیان در روزهای نوروز به روستاها و شهرهای دورتر ادامه می یابد. اما روز ششم فروردین یکی از مهمترین روزهای مذهبی و آنان روز تولد زرتشت و یا بقول نوروز است. زرتشتیان این روز را با گرد همانی های گسترده و برنامه های سخنرانی و هنری در هر منطقه جشن می گیرند.

در این روز بسیاری از زرتشتیان که سالها از زادگاه خود دور بوده اند به شهر و دیار خود باز گشته و در این جشن شرکت می کنند. جوانان با اجرای شعر و سرود و نمایشنامه های مذهبی، سنتی در تهیه و تدارک این جشن نقش مهمی ایفا می کنند.

بنظر می رسد که جشن سیزده همین روز فروردین و یا سیزده بدر ارتباطی با باور های آیینی زرتشتیان ندارد. امروز زرتشتیان تفت نیز مانند دیگر ایرانیان این روز را در طبیعت به سر می برند. ماهدخت فروهر می گوید که زرتشتیان گاهی نیز در این روز آشی به نام آش پس پائی نوروز می پزند.

کامران فروهر معتقد است که سیزده نوروز بین زرتشتیان تفت نه تنها نحس نمی دانیم، آنرا عزیز می دانیم".

اما دکتر کتایون مزدپور می گوید که اعتقاد به نحسیت و ناخجسته بودن سیزده نوروز در بین زرتشتیان نیز وجود داشته و ریشه تاریخی دارد. او اضافه می کند:

"سابقه سیزده بدر را تا بابل می توانیم دنبال کنیم که دوازده روز را جشن می گرفتند به نشان دوازده ماه سال و روز سیزدهم در حقیقت پایان جشن بوده که روز آشفنگی و به هم ریختن همه چیز هست و جشن تمام می شود. عدد سیزده نحس است و کلاً همان است که در جامعه اکثریت ایران هم وجود دارد".

اگر چه زرتشتیان در حفظ و تداوم برگزاری مراسم نوروز نقش مهمی داشته اند، اما در اوستا، به نوروز و آئین های نوروزی اشاره ای نشده است.

از این رو می توان گفت که نوروز قدمتی بیش از دین زرتشت دارد، چنانکه دکتر کتابون مزدپور می گوید:

"به نظر قدیمی ترین جایی که اسم از نوروز آمده کتاب نیرگستان است که البته هم پهلوی است و مقداری هم اوستا دارد، اما در خود اوستا اسم نوروز نیامده، ولی فروهر ها که با نوروز ارتباط دارند، یک پشت فروردین پشت فروهر هاست".

جشن نوروز زرتشتیان چون نوروز دیگر مناطق ایران در طول تاریخ همواره دست خوش تغییر و تحول بوده است. امروزه در تفت مراسم چهارشنبه سوری که به نظر نمی رسد جزو آداب محلی باشد، برگزار می شود. از سوی دیگر مردم می گویند که بعضی از سنن آنان چون نوروز خوانی از بین رفته است. سنتی که در بعضی مناطق مثلاً در کوههای البرز و در اطراف گرگان هنوز یافت می شود.

نوروز خوانی تنها سنتی نیست که در بین زرتشتیان و دیگر ایرانی ها مشترک است. بسیاری از آداب نوروزی که در بین زرتشتیان این یا آن روستا وجود دارد به شکلی تغییر یافته در حوزه جغرافیایی نوروز که از شرق عراق تا غرب هند و از خلیج فارس تا قزاقستان و گرجستان گسترده است، یافت می شود. کوروش نیکنام پژوهشگر آداب و رسوم زرتشتیان باور به بازگشت فروهر نیاکان در روزهای نوروز را با رفتن به گورستان در این ایام مقایسه می کند. سنتی که در تاجکستان و آذربایجان تا امروز از آداب جدا نشدنی نوروزی هستند: "به مناسبت های مختلف جامعه اسلامی ایرانی به مزار در گذشتگان می روند و در آنجا شمع روشن می کنند. روشنائی اینجا کردن یعنی درخواست از روان فروهر در گذشتگان که به زندگی آنها سری بزند. ما آمدن نوروز را با آتش روشن کردن به استقبال فروهر درگذشتگان می رویم و بعد روز اول نوروز، باز با آتش روشن کردن به بدرقه آنها می نشینیم. همین آتش روشن کردن را مسلمان ایرانی امروزه برای مزار در گذشتگان شان انجام می دهند".

من فکر می کنم نوروز به دلیل برجسته بودنش به عنوان یک جشن ایرانی باوری است که ایرانیان نسبت به دنیا مینوی، یعنی جهان پس از مرگ داشتند. چون این جشن، جشن آفرینش انسان هم هست، آمدن فروهر و روان در گذشتگان به سوی زمین هم هست. و ایرانیان خانه تکانی می کنند و یک زندگی نوي را به خود می گیرند، به دلیل این که در باور سنتی شان این ها از روان فروهر در گذشتگان پاسداری می کنند و میزبان مهمان های ارزشمندی هستند. به همین دلیل است که این جشن تا به امروز مانده و هر قوم و ملتی که به ایران آمده این جشن را پذیرفته و در واقع پاس می دارد".

اما ارتباط مستقیم نوروز با طبیعت، تغییرات جوی و ستاره شناسی در این زمان، رهایی از شب های سرد و بلند زمستان، برابری شب و روز و شروع فصل کشاورزی دلیل دیگری هستند که دوام نوروز در طول تاریخ را ممکن ساخته اند.

بدین ترتیب جشن نوروز با وحود تغییرات اعتقادی و اجتماعی در منطقه، همچنان در خاطره فرهنگی اقوام ایرانی باقی مانده است. برای زرتشتیان ایران نوروز یکی از مهمترین آیین های دینی و ملی است. امروز شاید در تمام کشورهایایی که در آنها نوروز برگزار می شود هیچ عنصر فرهنگی دیگری تا به این اندازه قادر به معرفی هویت کهن ایرانی آنان نباشد.

نتایج بحثهای گذشته

از آنچه در مباحث گذشته ذکر بعمل آوردیم نتایج ذیل بدست می آید:

۱. این روز بنام جشن نوروز هر سال در افغانستان هم در سطح حکومت و هم در سطح ملت به شکل یک روز مهم و میمون و مبارک تجلیل و برگزار می گردد که تجلیل آن ده ها و صدها انواع خرافات و بدعات را با خود دارد.
۲. برگزاری این روز در بلخ نسبت به ولایات دیگر افغانستان از ویژگیها و خصوصیات برخوردار بوده و همزمان با برپاداری این جشن که جنده مولا علی برافراشته و میله گل سرخ آغاز می یابد بازار هزاران مفسد و دجال و خرافه فروش و گزافه کار گرم و صدها منکر و ناروایی خلاف شرع و دین جامعه عمل می پوشد.
۳. جشن نوروز از جشنهای قومی و ملی ایرانیان قبل از اسلام بوده که تاریخ آنرا مؤرخان به روزگاران جمشید و قبل از آن نسبت داده اند.
۴. داستانهای بس عجیب و غریبی راجع به علل پیدایش نوروز ذکر کرده اند که از لحاظ تحقیق علمی و بررسی سند نمیتوان آنها و یا اکثر آنها را باور کرد و اکثر این داستانها و روایات قیمت بیشتر از افسانه های اسطوری ندارند.
۵. جشن نوروز از اعیاد و جشن های اسلامی نبوده و ارتباطی به اسلام نداشته و بلکه سراسر با همه کیف و کمش در مخالفت با اسلام و تعلیمات ارجدارش قرار دارد.
۶. و هم این روز از روزهای قابل افتخار و مردم افغانستان نبوده و هیچ سند تاریخی حتی روایت افسانه یی وجود ندارد که ارتباط آنرا به ملت افغان ثابت سازد.
۷. نوروز در بین زرتشتیان یزد نیز از اهمیت زیادی برخوردار بوده و آنان بخشهای زیادی از جشن نوروزی را به آیین های دینی خویش متعلق میداده اند.
۸. جشن نوروز زردتشتیان چون نوروز دیگر مناطق ایران همواره در طول تاریخ دست خوش تغییر و تحول بوده است.
۹. از زمانه های طولانی بدین سو آداب و عاداتی گوناگون و مختلف به مناسبت جشن نوروزی همزمان با فرارسیدن آن در میان ایرانیان زردشت و غیر زردشت رواج داشته است.
۱۰. و هم باید گفت که ارتباط مستقیم نوروز با طبیعت، تغییرات جوی، رهایی از شب های دور دراز زمستان، برابری شب و روز در دوام نوروز و ارزش بخشیدن به آن بی اثر نبوده است.

بخش دوم

نوروز و یا تجلیل نوروز از دیدگاه اسلام

و این بخش شامل مباحث ذیل است:

- ۱- تمهید
- ۲- اعیاد مسلمانان و جشنهای آنان
- ۳- حکم برگزاری اعیاد غیر مسلمانان از طرف مسلمانان
- ۴- انواع اعمال کافران
- ۵- نتیجه مطلب فوق
- ۶- دلیلی از قرآن کریم به حرمت برگزاری اعیاد کافران
- ۷- دلایل از سنت درین مورد.
- ۸- آثاری از صحابه و سلف راجع به مخالفت مشرکان در اعیاد و جشنهای شان
- ۹- اقوال فقها و علماء راجع به تجلیل نوروز
- ۱۰- خاتمه

تمهید

اسلام چنان دین کاملی است که در همه ابعادش: در بعد عبادات و بعد اعتقادات، قضایای اخلاق و آداب و رسوم و عاداتش دارای هویت مشخص و مخصوص خود است. این آئین سعادت بخش یک منظومه کاملی است که همه مسائل متعلق و مربوط پیروانش را با دساتیر و فرامین روشن و قاطعش نظم و ترتیب بخشیده و پاسخگویی همه نیازمندیهای مسلمانان است، و چون این آئین فطرت از جانب ذات فرزانه دانا و آگاه برای بشریت بحیث آخرین دین و ناسخ ادیان دیگر برگزیده شده است، بناءً در همه ابعادش کمال و در همه قضایا و مسائل آن شمول رعایت گردیده و بحیث دین کامل و آئین شامل و تمام برای بشریت ارسال شده است، ازینرو در هیچ قضیه از قضایای و حکمی از احکامش نیاز به پینه و پساوند و مکملی ندارد.

در بُعد عقیده: همه قضایای عقیدتی که شناخت آن بر هر مسلمان واجب است در نصوص قرآن و حدیث به شرح و تفصیل بحث شده احکام عبادات، معاملات، احوال شخصی و حتی قضایای تجارتي و بازرگانی و روابط انسانی و بین المللی نیز در ارشادات و توجیحات این دین به تفصیل بیان گردیده است.

خلاصه اینکه این دین همه امور مربوط به فرد مسلمان و جامعه اسلامی را در یک چوکات منظم و منسجمی تنظیم و ترتیب داده که صلاح و مصلحت دنیوی و اخروی او را در بردارد. لذا هیچ فرد مسلمان حق ندارد که کاری را انجام دهد که انچه و یا کمتر از آن بیرون ازین حدود و چوکات بوده باشد، این حدود و چوکات همان محدوده فکری و نظری، عملی و تطبیقی است که تعالیم تابناک اسلام آنرا ترسیم و تعیین کرده است، بدین اساس جشنهای مسلمانان معین و اعیاد آنان همانند سائر امورات شان از طرف اسلام معین و مشخص شده است.

به همین سلسله طرز عبادت مسلمانان، شیوه زندگی و برخوردشان، گونه لباس و صورت شان و حتی شیوه خورد و نوش و قضایای کوچکتر از آن را اسلام به صیغه و عبارت خودش تعبیر و به صیغه بخصوص خودش رنگ داده و به پیروانش مشروع قرار داده است، مسئله جشن گرفتن و عید قرار دادن روزی را برای مسلمانان، اسلام تعیین کرده و به مسلمانان دستور داده که روزهای جشن شان کدام و ایام عید شان چه وقت و کدام روز و در کدام ماه و در سال چند بار می باشد.

و بعد از این مقدمه مختصر راجع به روزهای عید مسلمانان که از طرف اسلام شروع شده است در مباحث ذیل به صورت تفصیلی به یاری الله متعال می پردازیم.

اعیاد مسلمانان و جشن های شان

مسلمانان در سالی دو عید و در هفته یک روز عید «روز جمعه» را دارند و اسلام عزیز اگر از یک طرف مسلمانان را از مشارکت و همانندی با اعیاد کافران و مشرکان منع فرموده از طرف دیگر بالمقابل روزهایی را برای عید و جشن داری و برخی از بازیهای مشروع، تعیین و مشخص ساخته است، طوریکه در حدیث ذیل آمده است: **عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِينَةُ وَلَهُمْ يَوْمَانِ يَلْعَبُونَ فِيهِمَا فَقَالَ مَا هَذَانِ الْيَوْمَانِ قَالُوا كُنَّا نَلْعَبُ فِيهِمَا فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَبْدَلَكُمْ بِهِمَا خَيْرًا مِنْهُمَا يَوْمَ الْأَضْحَى وَيَوْمَ الْفِطْرِ (١)**

ترجمه: از انس رضی الله عنه روایت است: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و سلم به مدینه تشریف فرما شدند، مردم مدینه دو روزی داشتند که در آنها به بازی و سرگرمیها می پرداختند، رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسیدند: "اینها چه روزهایی هستند {که آنها را جشن می گیرید؟} مردم گفتند: ما در روزگار جاهلیت درین روزها به بازی می پرداختیم، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: همانا الله تعالی به جای آنها روزهای بهتر از آنها را به شما ارزانی کرده که روز عید قربان و روز عید فطر است.

برگزاری عید و تجلیل جشن ها از امور فطری بوده با فطرت و سرشت انسانی سرشته است، انسانها بصورت عموم دوست دارند که مناسباتی داشته که به وسیله آنها از گذشته های خویش یاد آور شده مفاخر ملی و دینی و مذهبی خود را یاد آورند و البته جشنها و اعیاد ملت‌های کفری وابسته و مرتبط به قضایای دنیوی چون تشکیل دولت و یا سقوط آن، تعیین زمامدار و تاجگذاری بر آن، مراسم ازدواج و یا حلول فصل بهار و امثال اینها است.

یهودیان نیز جشنهای خاص خود را دارند و نصرانیها را هم جشنهایی است. از اعیاد نصرانیان عید روز پنجشنبه است که آنرا برگزار می کنند و می پندارند مائده که بر عیسی علیه السلام نازل می شده در همین روز بوده است، و هم از اعیاد نصرانیها عید میلاد مسیح و عید آغاز سال (کرسمس) و عید شکر و عید عطا و غیره است که آنان این اعیاد را در همه کشورهای اروپائی و امریکا و کشورهای دیگری که نصرانیها در آنجا وجود دارند جشن می گیرند. متأسفانه برخی از آنهایی که به اسلام منسوبند جاهلانه و یا منافقانه در برگزاری چنین جشنها با آنان هم‌نوا می گردند و بدینگونه مجوسیان و زردشتیان عیدها و جشنهای مخصوص خود را داشته که از مشهورترین آنها عید مهرگان و جشن نوروز است.

پس موقف مسلمان در برابر برگزاری و تجلیل چنین جشنها از دیدگاه اسلام چه می باشد؟ پاسخ این سؤال را در مبحث زیر بخوانید!

¹ ابودادود و نسائی به سند صحیح آورده اند.

حکم تجلیل اعیاد غیر مسلمانان

از تحلیل و بررسی تاریخی که از اصل و منشأ نوروز و پیشینه تاریخی و تفصیل علل پیدایش آن به میان آمد بوضوح ثابت می گردد که نوروز هیچ ارتباطی به اسلام نداشته و تجلیل و برگزاری آن از دیدگاه اسلام برای مسلمانان به هیچ صورت درست و جایز نبوده و تجلیل آن از طرف مسلمانان تعبیر از خود باختگی و بی فرهنگ و دنباله روی آنان داشته و این کار در حقیقت تشبیه و خود مانند سازی با کافران و پیروی از آنان و از هوا و خواهشات نفسانی و تقلید از رواجهای کهنه و فرسوده نسخ شده آنان است، در حالی که الله جل جلاله مسلمانان را از پیروی و دنباله روی غیر مسلمین منع نموده می فرماید: **«ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸)»** (۱)

ترجمه: سپس ما ترا ای پیغمبر بر برنامه و راه روشنی از دین قرار دادیم پس از آنان پیروی، کن و از هوسها و آرزوهای کسانی که نمیدانند پیروی مکن.

الله تعالی در آیات پیش از این از نعمتهای دینی و دنیایی که برای بنی اسرائیل ارزانی کرده خبر داده فرمود که آنها روی حسد و دشمنی میان خویش بعد از علم و آگاهی به اختلاف پرداختند، و درین آیه کریمه به پیغمبر صلی الله علیه و سلم دستور داد که راه و روش و برنامه که ما ترا به آن فرستادیم بهترین برنامه و روش است که تو حتماً باید از آن پیروی نمایی، و از هواهای نفس و آرزوهای جاهلان بی علم پیروی نکنی!

ابن تیمیه رحمه الله گفته است: همه کسانی که در مخالفت با شریعت رسول الله قرار دارند در **«الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»** داخل اند و مراد از **«أَهْوَاءَهُمْ»** همه خواهشات و آرزوهای است که آنرا می خواهند و به آنها دلچسپی دارند. (۲)

بی تردید یهود و نصاری و مجوس و همه مشرکان در همه ادوار تاریخ آرزو داشتند و همواره آرزو دارند که مسلمانان به راه آنان بروند و از رسم و رواج و فرهنگ آنها که عبارت از أهواء آنها است پیروی کنند و الله تعالی مسلمانان را از چنین کار در چندین آیت منع فرموده است:

در سوره رعد آیه: ۳۷ فرموده است: **«وَلَمَّا اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَمَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ (۳۷)»**

ترجمه: و اگر تو از هوا و هوسهای آنان پس از دانشی که بتو آمده است پیروی کنی برای تو در برابر الله هیچ دوست و نگهبانی نخواهد بود.

و در سوره بقره آیه: ۱۲۰ فرموده است: **«وَلَمَّا اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۱۲۰)»**

^۱ الجائیه: ۱۸

^۲ اقتضاء صراط المستقیم: ص: ۳۰

ترجمه: و اگر از آرزوهای آنان پیروی کنی بعد از آنکه علم و آگاهی بتو رسیده است، هیچ حمایت کننده و مددگاری از {عذاب} الله برایت نمی باشد.

و در همین سوره (بقره) آیه: ۱۴۵ آمده است: **«وَلْتَن اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (۱۴۵)»**

ترجمه: و اگر تو پس از آنکه علم و آگاهی برایت رسیده است از خواسته های آنان پیروی کنی مسلماً درینصورت تو از ستمگاران خواهی بود.

با مراجعه به نصوص قرآن و حدیث برملا می گردد که مسلمانان از پیروی هوا و هوسها و خواهشات کافران در قلیل و کثیر و در هر بیش و کم به وضاحت منع و باز داشته شده اند، زیرا دین ازین رهگذر به فساد کشانده می شود چه فساد دین یا از راه اعتقاد باطل و ابراز آن در گفتار و یا به سبب عمل بر خلاف اعتقاد حق، واقع می شود که اولی بدعت و دومی فسق عملی است که آن نخستین (بدعت) از ناحیه شبّهات و این دومین (فسق عملی) از طرف شهوات است، ازینرو علمای سلف گفته اند: از دو نوع مردم بپرهیزید و خود را دور دارید:

۱- صاحب هوا و هوس که هوا و آرزوهای نفسش او را در فتنه انداخته است.

۲- صاحب دنیا و ثروت که دنیا و مادیات او را کور گردانده است.

روی همین اصل اسلام مسلمانان را از پیروی غیر مسلمانان در مراسم عبادات، رسم و رواجها و جشنها و اعیادشان که در حقیقت همه ناشی از هوا و هوسهای آنها است به شدت منع فرموده است.

رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیثی که ابوهریره از ایشان روایت نموده است فرموده اند: **«لَتَأْخُذَنَّ أُمَّتِي مَأْخُذَ الْقُرُونِ قَبْلَهَا شَبْرًا بِشَبْرٍ، وَذَرَّاعًا بِذَرَّاعٍ، قَالُوا: فَارِسٌ وَالرُّومُ؟ قَالَ: فَمَنْ النَّاسُ إِلَّا أَوْلَانُكَ؟»**

ترجمه: همانا امت من و جب به و جب و گز به گز راه ملت‌های پیش از خود را در پیش میگیرند (و به راه آنان می روند یاران) گفتند: (آیا پیشینیان) فارسیان و رومیانند؟ فرمودند: آری فقط همانها (فارسیان و رومیان) هستند.

این حدیث و امثال آن که به عبارتها و الفاظ مختلف و به سندهای متعدد آمده است در باب اخبار از وقوع چنین امری و برای نکوهش و سرزنش آنانی که چنین کار را می کنند وارد شده است.

و ازین نصوص بر می آید که مشابهت امت اسلامی با یهود و نصاری از آن مسائلی است که از طرف الله و پیغمبر سخت مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است و بلکه دلایل بیشماری از قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و اجماع و آثار و قیاس و اعتبار وجود دارد که مسلمانان را از همگونی با کافران اهل کتاب – یهود و نصاری – و غیر اهل کتاب مجوس و فارس و اهل الحاد سخت منع نموده، بلکه به مخالفت از آنان وجوباً و یا استحباباً فرا می خواند. خواه مسلمانان قصد تشبّه و همگونی با

کافران را از آن اعمال داشته باشند و یا نداشته باشند. درینجا لازم می بینم برای توضیح بیشتر انواع اعمال کافران را طی عنوان جداگانه مورد بحث و بررسی قرار دهم.

انواع اعمال کافران

دانشمندان و محققان بدین اتفاق نظر دارند که کارها و اعمالی را که کافران انجام می دهند از سه نوع بیرون نیستند:

- (۱) نوعی که در دین ما مشروع بوده و در دین آنان نیز مشروع بوده است.
- (۲) نوعی که قبلاً مشروع بوده و قرآن کریم آن را منسوخ کرده است.
- (۳) نوعی که هیچگاه مشروع نبوده آنرا خودشان اختراع و ایجاد کرده اند.

اما نوع اول: یعنی آن اعمالی که در هر دو شریعت روا بوده و یا در شریعت اسلامی روا بوده و آنها نیز آنرا انجام می دهند. این نوع اعمال چون روزه روز عاشورا و یا اصل روزه و نماز و امثال آنها، در چنین اعمال مخالفت با آنان در کیفیت و صورت آن عمل مطلوب است. به همین لحاظ رسول الله صلی الله علیه و سلم روزه تاسوعا (یعنی روز نهم ماه محرم) را مشروع قرار دادند، و در افطار روزه بصورت عام به تعجیل و در سحری به تأخیر بخاطر مخالفت با یهود دستور دادند، و از همین قبیل فرموده اند: «با کفشهای تان نماز بخوانید و با یهود مخالفت کنید». ببینید قضیه مخالفت با کافران مخالفت با آنانی که در عقیده و فکر با مسلمانان مخالفت دارند و به جای عقیده توحیدی شرک و الحاد و کفر را برگزیده اند و آنرا به حیث یک نظام و سیستم پذیرفته اند. مخالفت با آنان در هر صورت مطلوب و از اهمیت برخوردار است.

قسم دوم: یعنی آن اعمالی که در ادیان پیشین مشروع بوده، ولی در اسلام به کلی منسوخ شده است، مانند حکم "یوم السبت" (یعنی روز شنبه) و امثال آن که چنین اعمال در اسلام نسخ شده و از موافقت با آنها به حساب آمده و یا بر آنان حرام بوده که به عاداتشان ارتباط و تعلق داشته است، بناءً برای هیچ فرد مسلمانی جائز نیست که از روی دینداری و برای ثواب از خوردن چربی و حیوانات ناخندار امتناع ورزد چه در این کار نوعی تشبیه و خود همگون سازی با یهود است.

و بدین سان از موافقت و همانندی با آنان در آن اعمالی آنها که مرکب از عادت و عبادت است، نیز منع آمده است.

چون تجلیل و برگزاری عید و جشنهایی که بر آنان در شریعتشان مشروع بوده است، و اعیاد مشروع آنها از لحاظ اینکه در آنها نماز، ذکر و صدقه و چیزهای دیگری عبادتی است جنبه عبادت را با خود داشته و بخاطر اینکه در آنها به توسع در خوراک و لباس و ترک اعمال و بازیها و انواع لعب اجازه داده شده است، جنبه عادت را به خود گرفته است.

ازینرو رسول الله صلی الله علیه و سلم ابوبکر رضی الله عنه را آنگاه که دو دخترک را از خواندن سرود در خانه رسول الله صلی الله علیه و سلم باز داشت، منع نموده

فرمودند: « **فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَعَهُمَا يَا أَبَا بَكْرٍ فَإِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ عِيدًا وَإِنَّ عِيدَنَا هَذَا الْيَوْمُ** » (۱)

ای ابوبکر اینها را بگذار {تا به سرود شان ادامه دهند}، چرا که هر قومی عیدی دارند و این {امروز} عید ماست. بنا برین موافقه با کافران در چنین عبادات و عادات نسخ یافته بدتر و زشتتر از موافقه در آن اعمالی است که در اصل مشروع بوده است، ازینرو علما موافقه آنان را در چنین اعمالی حرام قطعی و در نوع اول مکروه می دانند. اما موافقت آنان در **نوع سوّم اعمال**: یعنی در آن عادات و عباداتی که خود احداث کرده اند از همه بدتر و قبیح تر است، چرا که مسلمانان اگر خود شان چیزی را در دین احداث و ابتداع نمایند قطعاً نادرست و زشت بوده و بنام بدعت قبیح و زشت مردود، و سزاوار عمل نیست، چه رسد آنکه آن عمل در هیچ دینی مشروع نبوده و هیچ پیغمبری آنرا مشروع قرار نداده و کافران خود ایجاد کرده باشند؟!!

بدون شک موافقه با آنان در چنین اعمالی سخت زشت و ناروا و حرام قطعی می باشد.

این مسئله درین باب یک اصل بس نهایت مهمی است که باید آنرا دانست، و اصل دیگر اینکه هر عبادت و عادت که مسلمانان در آنها با کافران مشابهت و همانندی می نمایند از جمله محدثات و بدعتهای ناروا در حق امت اسلامی است، پس آن همه دلایل و شواهدی از کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و اجماع امت که بر زشتی و قباحیت بدعت دلالت دارند، دلالت شان به زشتی و قباحیت این امور بیشتر و رساتر و واضحت است.

خلاصه اینکه این موافقت و مشابهت مسلمانان با کافران از یک طرف بدعت ناروا در دین و از طرف دیگر مشابهت با غیر مسلمانان است که نهی قاطع در هر دو مورد از طرف شریعت اسلامی وارد و از ارتکاب آنها شدیداً منع آمده است. (۲)

¹ متفق علیه

² اقتضاء صراط المستقیم: ص: ۲۰۸ - ۲۱۰ با تصرف.

نتیجه ۶ مطلب فوق

اینک در روشنائی این بحث و از پرتو این اصول بیابید بنگریم که نوروز در کدام یک ازین سه نوع اعمال داخل است؟

با دقت به کیفیت و صورت حال نوروز و با مطالعه پیشینه تاریخی آن قطعاً می توان گفت که نوروز از نوع سوّم بوده یعنی از جمله آن اعمالی است که در هیچ یک از شرائع آسمانی مشروعیت نداشته و تجلیل و برگزاری آن به حیث یک جشن و عید در هیچ یک از کتابهای آسمانی نیامده و دلیلی بر روا بودن آن بحیث یک عادت و یا عبادت وجود ندارد، بلکه به شهادت تاریخ از بدعتهای مجوس و زردشت است که از زمانهای دراز بدینسو به حیث یک عمل ملامال از خرافه و مملو از فساد و ناروائیها در میان مردم ایران زمین انتشار یافته و بعدها به مناطق همجوار آن بویژه در میان مردمان تاجک و فارسی زبان انتقال یافته و به صورت جشن ملی تجلیل و بزرگزار می گردد که نظامهای فاسد و حکومتهای وقت در تقویه و انتشار آن نقش خود را داشته اند. خلاصه اینکه نوروز گذشته از آنکه ارتباطی به اسلام نداشته، بلکه موافقه و پیروی و تقلید و همگونی با کافران بوده و تجلیل و برگزاری آن از طرف مسلمانان از ناروائیهای رواج یافته و از حوادث و بدعتهای دخیل و بیگانه در میان مسلمانان است و برای حرمت و ناروا بودن آن اگر هیچ دلیل دیگری ارائه نداریم همین دلیل حرام بودن تقلید و پیروی و ماننند سازی خود به کافران کافی است.

رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده اند: **«مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»** (بروایت احمد، ابوداود و طبرانی).

ترجمه: هر کس از قومی تقلید و پیروی می کند از جمله همان قوم و در زمره آنها است. این حدیث حرام بودن مطلق تقلید و همانندی با کافران را افاده می کند و هکذا فرموده رسول الله صلی الله علیه و سلم **«خَالِفُوا الْمُشْرِكِينَ»** (۱).

ترجمه: با مشرکان مخالفت نمایید.

نیز وجود مخالفت با آنانرا می رساند و این نصوص بصورت عام این مطلب را افاده می کند که در پیروی و موافقه اهل کتاب و سائر مشرکان و کافران در آن کارهایی که از دین ما نیست فساد بزرگی نهفته بوده، بلکه در مخالفت آنها مصلحت اسلام و امت اسلامی مکنون و مضمّن است.

دلایل فوق بصورت عامتر عدم جواز همانندی و موافقت به همه اعمال کافران را افاده می کند، اما بصورت خاصتر راجع به تجلیل و برگزاری اعیاد کافران دلالتی از کتاب و سنت و آثار سلف وجود دارد که حرمت و عدم مشروعیت آنرا برای مسلمانان ثابت می سازد.

¹ بخاری در الصحيح شماره ۵۸۹۳ جزء حدیث دراز است.

دلیلی از قرآن کریم به حرمت برگزاری اعیاد کافران

الله تعالی در سوره الفرقان آیه ۷۲ می فرماید:

«**وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا**»

ترجمه: و {بندگان خاص رحمان} کسانی که بناحق گواهی نمیدهند و چون با لغو و کارهای بیهوده برخورد کنند بزرگوارانه از آن می گذرند. ابوبکر خلال در جامع به سندش از محمد بن سیرین در تفسیر این آیه کریمه: «**وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ**» روایت نموده گفته است:

مراد از «زور» «شعائین» (۱) (یعنی عید) نصاری است که آنرا روز یکشنبه بر پا می دارند و می پندارند که این روز، روز ورود عیسی به بیت المقدس است.

و همچنین از مجاهد و ربیع بن انس روایت شده که گفته اند: «زور» عبارت از اعیاد مشرکان است.

و ابو یعلی یکتن از علماء تفسیر و حدیث نیز چنین عنوانی وضع کرده است: «**مسألة في النهي عن حضور أعياد المشركين**» مسأله در بیان ممنوع بودن حضور یابی در جشنهای مشرکان و بدینگونه از ضحاک روایت شده که «زور» را درین آیه به اعیاد مشرکان تفسیر کرده است و هم از عمرو بن مرّة روایت شده که گفته است: «**لا يشهدون الزور**» یعنی با مشرکان در شرک شان موافقت و همراهی نمی نمایند. و نیز از عطاء بن یسار روایت شده که عمر رضی الله عنه گفته است:

«**إياكم و رطانة الأعاجم وأن تدخلوا علي المشركين يوم عيدهم في كناستهم**»

زینهار با زبان عجمی سخن نگویید و بر عبادتگاههای مشرکان روزهای جشن شان مروید. (۲)

«زور» از لحاظ لغت هر آن چیزی را گویند که در ظاهر زیبا و خوشنما در حالی که حقیقتش خلاف آن است، اعیاد و جشنهای مشرکان که شبها و شهودات و بیهودگیها و فساد و خرافات بی شماری را با خود دارد هیچ سود و نفع اخروی در آن مرتب نبوده، تنها لذت زود گذری است که سر انجام به تباهی و هلاکت منتهی می گردد، و بدین لحاظ «زور» خوانده شده است. ناگفته نماند که راجع به تفسیر «زور» اقوال دیگری چون شرک یا بتی که در جاهلیت بوده و یا مجالس فحشاء و یا موسیقی و ساز و سرودی و غیره از برخی از تابعین نقل شده است که در حقیقت این تفسیرها با هم مخالفت ندارد. چرا که عادت علمای سلف است که گاهی کسی از ایشان نوعی از انواع مسمی را بخاطر ضرورت شنونده به آن، و به خاطر تنبیه بر جنس یاد آور می شود. یعنی اسمی که بر چندین مسمی

¹ اقتضاء صراط المستقیم ص: ۲۱۲

² روز عید نصاری معجم الوسیط ج ۸۸/۱

دلالت دارد. برخي از مفسران يك مسمي و برخي ديگر مسماي ديگري را در تفسير آن اسم اختيار مي کنند.

الله تعالي در اين آيه کریمه ترک حضور به اين اعياد را که مجرد مشاهده و استماع است مورد مدح و وصف قرار داده است اين خود دلالت بر آن دارد که اين کار (يعني حضور) نزد او مذموم و نکوهش شده است و هرگاه با حضور يابي موافقت و تقليد آنان متصور باشد قطعاً حرمت و عدم جواز شدت مي يابد.

دلایلی از سنت به حرمت برگزاری و تجلیل اعیاد کافران

احادیث زیادی درین مورد وارد است که یا صراحتاً و یا اشاره به عدم جواز جشن گیری اعیاد کافران و مشرکان دلالت دارد که اینک ذیلاً به ذکر برخی ازین احادیث می پردازیم:

اولاً: **عن أنس قال : قدم رسول الله صلى الله عليه و سلم المدينة و لهم يومان يلعبون فيهما فقال : ما هذان اليومان ؟ قالوا : كنا نلعب فيهما في الجاهلية فقال رسول الله صلى الله عليه و سلم : إن الله قد أبدلكم بهما خيراً منهما يوم الأضحى و يوم الفطر. (١)**

ترجمه: از انس {ابن مالک} رضي الله عنه روایت شده که گفته است: رسول الله صلي الله عليه و سلم به مدینه قدم فرما شدند و اهل مدینه دو روزی داشتند که در آنها به بازی می پرداختند. رسول الله صلي الله عليه و سلم فرمودند: اینها چه دو روزی اند؟

گفتند: ما در جاهلیت درین دو روز به بازی و ساعت تیری می پرداختیم، رسول الله صلي الله عليه و سلم فرمودند: الله تعالی این دو روز را برایتان به دو روزی بهتر از آنها که روز عید قربان و روز عید فطر است، تبدیل کرده است.

ازین حدیث دانسته شد که رسول الله صلي الله عليه و سلم اهل مدینه را بر آن دو روز جاهلیت و ناگذاشتند که طبق عادت به بازی و لهو در آن بپردازند، بلکه فرمودند: الله تعالی به جای آن دو روز، دو روز بهتر از آنها را به شما داده است و جمله: **«إن الله قد أبدلكم بهما خيراً»** مقتضی آنست که جمع میان هر دو {یعنی اعیاد اسلامی و دو روز عیدین جاهلیت درست نیست} ناگفته نماند که این دو روز عید جاهلیت در اسلام بکلی از میان رفت و اثری از آن در زمان رسول الله صلي الله عليه و سلم و نه در زمان خلفای راشدین باقی نماند و هر گاه رسول الله صلي الله عليه و سلم مردم را از بازی و لعب که در آن دو روز انجام می دادند منع نمی نمودند، قطعاً مردم بر عادت خویش باقی میماندند. چرا که عادات بدون تغییر دهنده قوی که آنرا از میان بردارد تغییر نمی یابد. ازینرو بسا از زمامداران و لیدران از نقل مردم از عادات و تقالیدشان در جشنها و عیدهایشان عاجز آمده اند. و اگر مانع قویی از رسول الله صلي الله عليه و سلم بدین رابطه نمی بود، بی تردید این عادت باقی می ماند. لذا این نتیجه بدست می آید که مانع قویی از جانب رسول الله صلي الله عليه و سلم در زمینه ثابت و موجود بوده است و هر آنچه را که رسول الله صلي الله عليه و سلم به قوت منع نموده باشند حرام و ناجائز است.

دوم: حدیثی که ابوداود به سندش از ثابت بن ضحاک روایت نموده که گفته است: **«نذر رجل على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم أن ينحر إبلًا ببؤانة فأتى النبيّ**

¹ ابوداود در "السّنن" شماره: ۱۱۳۴ و مسند احمد ج ۳ ص ۱۰۳ و ۲۳۵ حدیث صحیح است، و سنن نسائی: ج ۳ ص ۱۷۹.

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ إِنِّي نَذَرْتُ أَنْ أَنْحَرَ إِبْرَأًا بَبُؤَانَةَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَلْ كَانَ فِيهَا وَتَنْ مِنْ أَوْتَانِ الْجَاهِلِيَّةِ يُعْبَدُ قَالُوا لَا قَالَ هَلْ كَانَ فِيهَا عَيْدٌ مِنْ أَعْيَادِهِمْ قَالُوا لَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْفِ بِنَذْرِكَ فَإِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِنَذْرِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَلَا فِيمَا لَا يَمْلِكُ ابْنُ آدَمَ» (١)

ترجمه: مردی در زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم بر خود نذر نموده شتری را در منطقه «بوانه» ذبح کند. لذا نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: من بر خود نذر کرده ام که شتری را در بوانه نحر نمایم. پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: آیا در آنجا بتی از بتهای جاهلیت پرستیده می شد؟ گفتند: نه خیر.

فرمودند: آیا در آنجا جشنی از جشنهای آنان برگزار می شد؟

گفتند: نی، هرگز!

آنگاه پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: به نذر خویش وفا کن! البته برای آن نذری که در نافرمانی از الله بوده و یا در آنچه که انسان مالک آن نباشد اصلاً وفايي لازم نیست.

راجع به وجه دلالت این حدیث به مطلب مورد بحث امام ابن تیمیه رحمه الله چندین وجوه را ذکر نموده است که ما با تصرف و اختصار ذیلاً به ذکر آن می پردازیم:

این حدیث به چندین وجه دلالت بدین دارد که ذبح در جای عید اهل جاهلیت و محل بتهای شان نافرمانی و معصیت از الله تعالی می باشد و این وجوه:

۱- در جمله «فأوف بنذرك» فاء برای تعقیب وصف به حکم است و این دلالت بر آن دارد که وصف سبب حکم است. لذا سبب امر به وفاء، خالی بودن نذر ازین دو وصف است، بناءً وجود این وصف مانع از وفاء است و اگر گناه و معصیت نمی بود وفاء به آن جایز بود.

۲- در بیان حدیث آمده است: «لَا وَفَاءَ لِنَذْرِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَلَا فِيمَا لَا يَمْلِكُ ابْنُ آدَمَ» برای نذری که در معصیت الله باشد اصلاً وفايي نیست و البته این جمله عام است و صورت پرسيده شده درین عام داخل است و اگر داخل نباشد کلام بی ارتباط است و اصل وفاء به نذر معلوم است. ازینرو رسول الله صلی الله علیه و سلم صورتی را روشن ساختند که در آن وفاء نیست، و اصولاً لفظ عام هرگاه بر سبب وارد شود ناگزیر سبب در آن مندرج است.

۳- هرگاه ذبح در جای عید و جشن مشرکان جایز می بود، رسول الله صلی الله علیه و سلم برای آن نذر کننده وفاء برای آن را اجازه می دادند. طوری که بر آن زنی که نذر نموده بود که بر سر رسول الله صلی الله علیه و سلم دف بزند وفا را اجازه دادند. (٢)

¹ سنن ابی داود شماره حدیث ۲۳۱۳ و حدیث صحیح است.
² سنن ابی داود شماره حدیث ۳۳۱۳ و حدیث صحیح است.

و چون در احادیث لفظ «**عیدهم**» در نسبتش به جاهلیت و هم به اسلام تکرار یافته است ناگزیریم به توضیح معنا و مدلول و مصداق آن حسب اطلاقات شرع بپردازیم.

توضیح معنای عید

عید نام آن گردهمایی عمومی است که به شکل معتاد تکرار می‌گردد، چه به تکرار سال یا تکرار ماه و یا هفته و امثال آن باشد.

از اینرو عید اعمال و کارها و اموری ذیل را در بر گرفته و به هر یک از آنها اطلاق می‌گردد:

(۱) روزی که تکرار می‌یابد چون روز عید فطر و روز جمعه.

(۲) اجتماع و گردهمایی که در آن روز صورت می‌گیرد.

(۳) اعمالی از نوع عبادات و یا عاداتی که با هم جمع می‌شوند.

(۴) و گاهی عید به نام جایی و مکان مشخصی اختصاص می‌یابد.

گاهی هر یک از این امور فوق الذکر را به تنهایی آن عید گفته می‌شود و اطلاق عید بر زمان و وقت درین فرموده رسول الله صلی الله علیه و سلم آمده که در مورد روز جمع فرموده اند: « **إِنَّ هَذَا يَوْمٌ جَعَلَهُ اللَّهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا** » (۱)

ترجمه: این روز، روزیست که الله تعالی آنرا برای مسلمانان عید گردانده است. و اطلاق عید برای اجتماع و اعمال ازین قول ابن عباس رضی الله عنه دانسته می‌شود که گفته است: « **شهدت العيد مع رسول الله صلی الله علیه و سلم** » (۲)

یعنی در اجتماع عید با رسول الله صلی الله علیه و سلم حضور بهم رساندم.

و اطلاق عید برای مکان و جایی ازین حدیث بدست می‌آید که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده: « **لا تتخذوا قبوری عیداً** » (۳).

قبر مرا عیدگاه بر نگیرید!

و بسا که لفظ «عید» نامی مجموعی از روز و عملی است که در آن صورت می‌گیرد و غالب استعمال عید به همین معنی آمده است. چنانچه رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: « **دعهما یا ابابکر فإن لكل قوم عیداً، و ان هذا عیدنا** » (بخاری و مسلم).

ترجمه: ای ابوبکر این دختران غزلیان را بگزار چرا که هر قوم و مردمی عیدی دارند و البته امروز عید ما است.

و فرموده رسول الله صلی الله علیه و سلم: « **هل بها عید من أعیادهم؟** » آیا در آنجا عیدی از اعیادشان بوده است؟

¹ صحیح جامع الصغیر شماره حدیث ۲۲۵۸

² مجمع الزوائد: ۲۴/۴

³ مسند احمد بن حنبل: ۳۶۷/۲، مصنف ابن ابی شیبہ ج: ۳۷۵/۲؛ ۳۴۵/۳، مصنف عبد الرزاق: ۶۷۲۶.

مقصود اینکه آیا در آنجا گردهمایی از گردهمایی های عادی شان که در نزد شان عید است صورت می گرفته است؟

و چون در پاسخ گفت: نه خیر! رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: به نذرت وفا کن! و این سیاق مقتضی آنست که بودن قطعاً زمین جای و مکان جشن مشرکین مانع ذبح در آنجا است و اگر چه ذبح در آنجا را نذر هم نموده باشد. و می شود که علت نهي را در نقاط ذیل خلاصه کرد:

ا- بخاطر اینکه از آن تعظیم و بزرگداشت جای و مکانی می آید که مشرکان آنجا را با برگزاری جشن و عید خویش تعظیم می نمایند.

ب- و یا بخاطر اینکه در برگزاری جشن در آنجا با مشرکان مشارکت و همسازی بمیان می آید.

ت- و یا بدین خاطر که شعار عید مشرکان در آنجا احیاء می گردد باید درینجا دقت نمود که شارع تا چه سرحد می خواهد که مسلمانان را از آلوده شدن به کمترین چیزی از امور و کارهای کافران دور دارد که در جای عید و جشن آنان وفا به نذر را ملغی قرار داده تا مشارکت با آنان در احیای شعائر شان بمیان نیاید چه رسد که مسلمانان جشن آنان را جشن خویش قرار داده و به تجلیل و برگزاری آن اموال هنگفت و وقت پر ارزش خویش را بدون فائده به مصرف برسانند!؟

و هم باید دانست که حدیث فوق الذکر و احادیث دیگری دلالت برین دارند که مردم در جاهلیت اعیادی داشته اند که در آنها با هم گرد آمده به تجلیل و برگزاری می پرداخته اند. و هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و سلم مبعوث شدند الله تعالی آنها را از میان برد و چیزی باقی نماند و هرگاه رسول الله صلی الله علیه و سلم منع نمی کردند چه کارهای که در اعیاد صورت می گیرد طبیعت انسانی با آنها گرایش و تمایل دارد و بویژه در جشنهای جاهلی و باطل که بازیها و ملذات نفسی طبق هوا و هوس در آنها بیشتر و زیاد تر است و هرگاه باعث و انگیزه قوی موجود باشد، بدون مانع قوی از میان نمی رود.

و این اصل افاده می کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم امت خویش را از اعیاد کافران به شدت منع نموده و برای از میان برداشتن آن قاطعانه فرمان صادر کرده اند.

سوم- حدیثی که عائشه رضی الله عنها روایت می کند:

«دَخَلَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعَدِيُّ جَارِيَتَانِ مِنْ جَوَارِي الْأَنْصَارِ تُعْنِيَانِ بِمَا تَقَاوَلَتِ بِهِ الْأَنْصَارُ يَوْمَ بَعَاثَ قَالَتْ وَآيِسًا بِمَعْنِيَتَيْنِ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ : أَمْرَمُورُ الشَّيْطَانِ فِي بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ وَذَلِكَ يَوْمَ عِيدِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ عِيدًا وَهَذَا عِيدُنَا» وَ فِي رِوَايَةٍ: «يَا أَبَا بَكْرٍ إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ عِيدًا وَإِنْ عِيدُنَا هَذَا الْيَوْمَ» (١)

¹ صحیح البخاری شماره حدیث: ۹۵۲، ۳۹۳۱ و صحیح مسلم شماره حدیث: ۸۹۲

ترجمه: ابوبکر رضي الله عنه در حالي به خانه ام آمد که دو دختری از دختران انصار در نزد آن سرودي را که انصار در جنگ بعثت گفته بودند زمزمه مي کردند و در حالي که آنان سرایندهگان و موسيقي نوازان نبودند. ابوبکر رضي الله عنه گفت: آیا ناي و سرود شیطان در خانه رسول الله صلي الله عليه و سلم است؟ و آن روز، روز عید بود. رسول الله صلي الله عليه و سلم فرمودند: هر مردم و گروه عیدي دارند و امروز عید ما است، و در روایت دیگری آمده است اي ابوبکر هر گروهی را عیدي است و البته عید ما امروز است.

درین حدیث به چندین نقاط باید دقت کرد:

(۱) جمله: «**إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ عِيدًا وَهَذَا عِيدُنَا**» ایجاب مي کند که هر قوم عید و جشن ویژه خود را دارند، چرا که «لام» اختصاص را افاده مي کند، بناءً یهود و نصاری عید بخصوص خود را دارند که ما با آنان در آن شرکت نمی نماییم، طوری که در شریعت و قبله شان با آنها مشارکت نداریم. و اینچنین آنانرا نمی گذاریم که با ما در عید مان شریک شوند.

(۲) لفظ: «**وَهَذَا عِيدُنَا**» مقتضی آنست که عید مسلمانان درین روز انحصار یافته است. بناءً مسلمانان غیر از آن عید دیگری ندارند.

و اینچنین در لفظ: «**وإن عیدنا هذا الیوم**» که تعریف با لام و اضافت است، افاده مي کند که عید ما مسلمانان منحصر در جنس چنین روز است، و هدف رسول الله صلي الله عليه و سلم حصر در عین آن عید و یا نفس آن روز نیست، بلکه اشاره به جنس مشروع است، طوری که فقهاء مي گویند: «باب صلاة العید، و لا یجوز صوم یوم العید» و درین عبارات هر دو عید مندرج است.

(۳) رسول الله صلي الله عليه و سلم در بازی دختران و دف زدن و سرود خوانی به آنان به این تعلیل اجازه دادند که هر قوم عیدي دارند، و البته امروز عید ما مسلمانان است.

و این سیاق مي رساند که رخصت و اجازه سرود و بازی بدان خاطر حاصل است که عید مسلمانان است و این اجازه و رخصت به اعیاد کافران نمی رسد. ازینرو درست نیست که در اعیاد کافران مسلمانان به لعب و اظهار خوشحالی بپردازند. زیرا عبارت: «**إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ عِيدًا وَهَذَا عِيدُنَا**» تقاضا دارد که علت رخصت آنست که هر قوم عیدي دارند و این عید ما مسلمانان است، و این علت به مسلمانان اختصاص یافته است. ازینرو برای مسلمانان جایز نیست که در هر عید و جشن مردم آن لعب و بازی را انجام دهند که در عید مسلمانان انجام مي دهند و مطلوب هم همین است. (۱)

چهارم: حدیثی است که کریب مولای ابن عباس رضي الله عنهما روایت مي کند که گفته است: «**أرسلني بن عباس وناس من أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم إلى أم سلمة أسألها: أي الأيام كان النبي صلى الله عليه وسلم أكثرها صياماً؟ قالت: كان يصوم يوم**

¹ برای تفصیل این مطلب اقتضاء صراط المستقیم ص ۲۱۰ و مابعد آن را بخوانید.

السبت والاحد أكثر ما كان يصوم من الايام ويقول: إنهما يوما عيد للمشركين و أنا أحب أن أخالفهم» (١)

ترجمه: کریب می گوید، ابن عباس و تعدادی از یاران پیغمبر صلی الله علیه و سلم مرا به نزد ام سلمه رضی الله عنها فرستادند تا از او بپرسم که کدام روزها را رسول الله صلی الله علیه و سلم بیشتر روزه می گرفتند؟ ام سلمه گفت: بیشترین روزهایی را که رسول الله صلی الله علیه و سلم روزه می داشتند روزهایی شنبه و یکشنبه را روزه گرفته و می گفتند: اینها روزهای عید مشرکان است و من دوست میدارم که با آنان مخالفت نمایم. و این حدیث نص صریح و واضحی راجع به مخالفت با مشرکان در عیدها و جشن های آنها است.

¹ مسند احمد ج ۶ ص: ۳۲۳، ابن خزیمه شماره حدیث: ۲۱۶۸ و ابن حبان شماره ۹۴۱ و حدیث را ابن قیم در زاد المعاد حسن خوانده است. زاد المعاد ج ۲ ص ۷۸ و به سند صحیح نزد ترمذی شاهدهی دارد، و با حدیث ام سلمه که در آن از روزه روز شنبه نهی آمده تعارض ندارد زیرا مقصود از نهی تنها ساختن آن به روزه است چرا که آن روزیست که یهود آنرا تعظیم می نمایند.

آثاری از صحابه و سلف راجع به مخالفت مشرکان در اعیاد و جشنهای شان

(۱) از عطاء بن دینار روایت شده که گفته است: «إياكم و رطانة الأعاجم ، وَ انْ تَدْخُلُوا عَلَيَّ الْمُشْرِكِينَ يَوْمَ عِيدِهِمْ فِي كَنَائِسِهِمْ» (بيهقي در السنن الكبرى: ۲۳۴/۹).

ترجمه: عمر رضي الله عنه گفته است: از حرف زدن با زبان عجمي و از داخل شدن در عبادتگاه هاي مشرکان در روز عيد شان اجتناب نماييد.

(۲) و بيهقي به سند صحيح در «السنن الكبرى» در «باب كراهة الدخول علي اهل الذمة في كنائسهم و التشبه بهم يوم نيروزهم و مهرجانهم» به سند متصل از عمر رضي الله عنه روایت مي کند که گفته است: «لَا تَعْلَمُوا رَطَانَةَ الْأَعَاجِمِ وَلَا تَدْخُلُوا عَلَيَّ الْمُشْرِكِينَ فِي كَنَائِسِهِمْ يَوْمَ عِيدِهِمْ فَإِنَّ السُّخْطَةَ تَنْزُلُ عَلَيْهِمْ.» (۱)

ترجمه: تکلم به زبان عجمي را نياموزيد و در عبادتگاه هاي مشرکان در روز عيد شان داخل نشويد چرا که خشم (الهي) بر ايشان فرو مي ريزد.

(۳) و همچنان بيهقي از عبد الله بن عمرو روایت نموده که گفته است: «مَنْ بَنَى بِيْلَادِ الْأَعَاجِمِ وَصَنَّ نِيرُوزَهُمْ وَمَهْرَجَانَهُمْ وَتَشَبَّهُ بِهِمْ حَتَّى يَمُوتَ وَهُوَ كَذَلِكَ حَشِرَ مَعَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (۲)

ترجمه: هر که در شهرهاي کافران بناي نهاد و {خوراک} نوروزي و مهرگاني آنانرا ساخت و با ايشان خويشتن را همانند کرد تا اينکه مرگ به سراغش رسيد و او بدین حالت بود، روز قيامت با آنها يکجا حشر مي شود.

(۴) و نیز بيهقي به سندش از عمر بن الخطاب رضي الله عنه روایت نموده که گفته است: «اجْتَنِبُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ فِي عِيدِهِمْ.» (۳)

ترجمه: يعني: از دشمنان الله تعالي در عيد و جشن هاي شان کناره گيري کنيد.

(۵) و هم از محمد بن سيرين روایت شده که گفته است: «أَتَى عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِمَثَلِ النَّيْرُوزِ فَقَالَ: مَا هَذَا؟ قَالُوا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا يَوْمُ النَّيْرُوزِ. قَالَ: فَاصْنَعُوا كُلَّ يَوْمٍ فَيْرُوزًا. قَالَ أَسَامَةُ: كَرِهَ أَنْ يَقُولَ: النَّيْرُوزِ.» (۴)

¹ السنن الكبرى ۲۳۴/۹ و مصنف عبد الرزاق: ۴۱۱/۱

² السنن الكبرى ج ۲۳۴/۹

³ السنن الكبرى ج ۲۳۴/۹

⁴ السنن الكبرى ج ۳۳۵/۹

ترجمه: به علي رضي الله به مانند طعام نوروزي خوراكي آوردند، علي گفت: اين چيست؟ مردم گفتند: اي امير المؤمنين! امروز روز نوروز است. علي رضي الله عنه گفت: هر روز فيروزي بسازيد. اسامه مي گويد: علي رضي الله عنه ناخوش داشت که «نيروز» بگويد.

آثار فوق به مسائل ذيل دلالت دارد:

۱. مکروه و حرام است که روزي را به عيدي تخصيص داد که در شريعت چنين تخصيص نيامده باشد.
۲. حرام بودن ورود مسلمانان به عبادتگاه هاي مشرکان در روزهاي عيد شان.
۳. ممنوع بودن ملاقات و اجتماع با ايشان در روزهاي عيد و جشن شان.
۴. مشارکت با مشرکان در نوروز و مهرجان شان و مشابهت با آنان موجب دخول دوزخ است.
۵. و اثر علي رضي الله عنه که موافقت مشرکان را در نام روز عيد شان ناپسند و ناخوش خواند است ميرساند که موافقت مشرکان درين عمل سخت حرام و ناجائز است.

اقوال فقهاء و علماء در باره تجلیل نوروز

دانشمندان علوم اسلامی اعم از محدثان و فقهاء و اهل تفسیر راجع به نوروز و حرمت تعظیم و بزرگداشت عید نوروزی و همه اعیاد مشرکان بصورت خیلی واضح نظریات و افکار خویش را مبتنی بر اصول اسلامی اظهار کرده اند که اینکه به ذکر برخی از آنها می پردازیم:

(۱) علامه شاه ولی الله دهلوی در کتاب پر ارجش «حجة الله البالغة» راجع به فلسفه تبدیلی اعیاد جاهلی می نگارد:

تبدیلی آنها فقط به این خاطر بود که هیچ عیدی بین مردم نبوده، مگر اینکه سببش بالا بردن شعایر دینی بوده است و یا موافقت به امام بر مذهبی و یا شبیه آن پس رسول الله صلی الله علیه و سلم احساس خطر کرد که اگر مردم به عادت قبلی خود شان آزاد گذاشته شوند شعایر جاهلیت ارزش پیدا می کند، و یا روش گذشتگان شان ترویج می یابد. بدین ملحوظ آن دو روز را به دو روز دیگر تبدیل نمود که درین دو روز شعایر آیین حنیفیت بالا رفت و همراه با تجمل و آرایش ذکر الله وجود داشت تا اجتماع مسلمانان تنها برای لهو و لعب نبوده و هیچ اجتماع ایشان خالی از اعلان کلمة الله نباشد.^(۱)

(۲) علامه ملا علی القاری از علما و محدثین حنفی چنین می نگارد: هر که در روز نوروز تخمی را برای مجوسیان و آتش پرستان بحیث تحفه، یا نوروزی تقدیم کند کافر می شود. چرا که مسلمان این کافر را بر کفر و گمراهی اش کمک کرده است، و یا ازین لحاظ کافر می گردد که در هدیه دادن از آنان تقلید نموده و خود را همانند آنها ساخته است. نوروزی دادن به مسلمان نیز دارای عین حکم است، چرا که {میان هر دو امر} شباهت وجود دارد.^(۲)

(۳) ابو حفص کبیر بخاری می گوید: اگر مردی پنجاه سال الله تعالی را پرستش نماید، سپس تخمی را به عنوان نوروزی برای مشرکان و مجوسیان تحفه بدهد و اراده اش تعظیم آن روز باشد، بدون شک خودش به الله بزرگ کافر شده و عبادت پنجاه ساله اش برباد می شود. و اگر برای مسلمان تحفه داد و اراده اش تعظیم نوروز نبود، بلکه بر حسب عادت مردم انجام پذیرفت، کافر نمی شود. لازم است که آن را قبل از آن یا بعد از آن بخاطر منتفی ساختن تشبه انجام دهد.^(۳)

(۴) در مجمع النوازل آمده است که در شرح فقه اکبر از آن نقل شده است: موقعیکه مجوسیان در روز نوروز گرد هم می آیند اگر مسلمانی بگوید: راه و روش و طریقه خوب و پسندیده را بنا نهاده اند، کافر می شود. چون عملی را که کافران بنا نهاده اند مورد تحسین قرار داده که این تحسین متضمن تقبیح راه و روش و طریقه اسلام است.

^۱ حجة الله البالغة ترجمه محمد یوسف حسین پور ج ۲ ص ۷۲ - ۷۳.

^۲ شرح فقه اکبر ص ۲۲۹.

^۳ زاد الفقیه تلخیص شامی ص ۷۹۰، الدر المختار ص ۵ ج ۵، الھندیة ص ۶ ص ۴۴۶، در المختار ج ۵ ص ۵۳۲.

(۵) در فتاوی صغری آمده است: مسلمانانی در نوروز چیزی را خرید که قبل از آن نمی خرید، و هدفش تعظیم و بزرگداشت نوروز بود کافر می شود، چرا که عید کافران را مورد تعظیم و احترام قرار داده است. و اگر این خریداری بصورت اتفاقی صورت پذیرد و نداند که امروز روز نوروز است، کافر نمی شود و همچنین اگر دانست که امروز روز نوروز است، ولی آن را به مقصد دیگری چون آمدن مهمان و غیره خریداری نمود کافر نمی شود، شخصی در روز نوروز چیزی را به شخصی به هدف حرمت گذاشتن روز نوروز به عنوان هدیه و تحفه داد، کافر می شود. (۱)

(۶) در زاد الفقیه تلخیص شامی چنین آمده است: تقدیم نمودن هدیه و تحفه به عنوان نوروزی در روز نوروز و مهرگان حرام است، و اگر مرادش تعظیم و احترام این روز باشد، همانگونه که مشرکان تعظیم می کنند، به الله تعالی کافر می شود. (۲)

(۷) در التتمة آمده است: شخصی که در روز نوروز چیزی را می خرد که جز او کسی دیگری از مسلمین آن را نمی خرد کافر می شود. (۳)

(۸) و اینگونه امام احمد بن حنبل و قاضی ابو یعلی از حضور یابی در جشنها و اعیاد مشرکان بشدت منع کرده اند.

(۹) امام ابوالحسن آمدی مشهور به «ابن البغدادی» در کتابش «عمدة الحاضر و کفایة المسافر» فصلی را بدین نام «لا يجوز شهود أعياد النصاري و اليهود» گذاشته و در آن از احمد بن حنبل ممنوعیت حضور یابی به جشنهای مشرکان را نقل کرده است.

(۱۰) و بدین سان اقوال زیادی از فقها و علماء در مورد حرمت مشارکت با کافران در جشنهای شان و بویژه در جشنهای یهود و نصاری و مجوس و زردشت وارد است که این رساله گنجایش ذکر همه آنها ندارد.

¹ این مطلب را در شرح فقه اکبر ص ۲۳۰ بخوانید.

² زاد الفقیه تلخیص شامی ص ۷۹۰

³ شرح فقه اکبر ص ۲۳۰ به نقل از التتمة

خاتمه

با این بررسی مختصر پیرامون جشن نوروز و کیفیت برگزاری آن در افغانستان و به ویژه در ولایت بلخ هویدا می‌گردد که اصل این جشنواره به زردشت و مجوسیت بر می‌گردد و تاریخ آن روی افسانه‌ها و داستانهای که اکثر آنها اصل معتمدی ندارد به زمانه‌های جمشید و قبل از آن ارتباط می‌گیرد و هم این روز و تجلیل برگزاری آن در زمانه‌های ساسانیان از اهمیت خاصی برخوردار بوده و شاهان ساسان به کیفیت ویژه و خاص آنرا تجلیل می‌کرده‌اند، و تجلیل نوروز در میان زردشتیان یزد صورت‌های مختلف و متعددی داشته است و اختلاف در کیفیت یک عمل بیانگر آنست که آن کار از مصدر وحی سرچشمه نگرفته و زاده افکار و آراء ناقص بشر است که گاهی یک شکل و روزگاری شکل دیگری را می‌گیرد، و هم درین رساله توضیح گردید که مسلمانان جشنها و اعیاد خاص خود را دارند که آنها را با ذکر و یاد الله و با عبادت و شعائر مخصوص آن تجلیل و برگزار می‌کنند و برای آنان در آن روز در چوکات شریعت اسلامی برخی از لعب و بازیها و ساعت تیریهایی مجاز است و حق ندارند که جشنهای غیر اسلامی و اعیاد کافران را گرامی داشته از آنها تجلیل بعمل آورده و در خوش حالیها و بازیهای آنها همراهی و همسانی نمایند و بلکه با دلایل از قرآن و سنت ثابت گردیده که برگزاری اعیاد کافران برای مسلمانان حرام مطلق بوده بر آنها اجازه نیست که در تجلیل اعیاد کافران با آنان موافقت نمایند. بناءً نوروز نیز از روزهای عید مسلمانان نبوده و از جشن‌های مشروع برای آنان نمی‌باشد. از اینرو تجلیل نوروز به صورت کنونی و به شکل محلی اش در افغانستان و بویژه در ولایت بلخ در شهر مزار سراسر با تعلیمات و ارشادات اسلامی در مخالفت و تضاد قرار دارد. لذا بوسیله این رساله به مسلمانانی که می‌خواهند از تعلیمات دینی شان پیروی و از ارشادات اسلام اطاعت نموده زندگی اسلامی داشته باشند توصیه می‌گردد که از تجلیل این روز جداً خودداری نموده و به تجلیل و برگزاری عیدهای مسلمانان که عید رمضان و عید اضحی است اکتفا نمایند و البته مسلمانان در هر هفته نیز یک روز عیدی دارند که آن عبارت از روز جمعه است که در آن اهل یک قریه در یک مسجد جامع بزرگ با هم جمع شده و آنرا تجلیل نموده و به ادای عبادت نماز جمعه مشترکاً می‌پردازند.

و طوریکه از اقوال سلف و نظریات فقهاء دانستیم تبادل هدایا و تحف میان مسلمانان در روز نوروز به خاطر نوروز و برای تجلیل از آن نهایت خطرناک بوده به سرحد کفر می‌کشاند. لذا در زمینه نیز توصیه می‌گردد که برادران خطورت مسأله را دانسته از تقدیم هدیه و تحفه بنام نوروزی جداً خودداری کنند و حتی مبارکبادی دادن نوروز نیز ناجائز و حرام بوده و علماء سلف و فقهاء مذاهب آنرا حرام و ناجائز خوانده‌اند.

این چند سطر بود که برای نگارش آن میسر گردید. خواستم که از باب دعوت الی الخیر و تصحیح عقیده و اصلاح طرز تصور، آنرا به خوانندگان تقدیم دارم. اگر به صواب باشم از فضل و لطف الهی است و اگر خطا رفته باشم از طرف من و شیطان است، الله و پیغمبرش از آن پاک و بری‌اند.

و صلي الله تعالى و سلم علي خير خلقه محمد و آله و صحبه و سلم.